

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبر)

تسلیم رژیم به قطعنامه ۵۹۸ پیروزی بزرگ مردم

امروز دوشنبه ۲۷ تیرماه، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی جمهوری اسلامی اعلام شد. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبر) با شور و شوق بسیار، در هم گسسته شدن مواضع جنگ افروزان سران رژیم، تسلیم آنان به راه و خواست خلق قهرمان ایران و گشوده شدن چشم انداز صلح میان ایران و عراق میبماند تبریک میگوید. اکنون پس از ۸ سال ادا نهاده شدن مواضع جنگ و شش سال پس از خروج قوای متجاوز عراقی از خاک میهن ما، پس از برپا شدن در فتن جان و بیش از یک میلیون انسان بیگناه از دوش کشور، پس از آنکه نیمه عبور دادن کودکان از زوری میدانهای مین و پس از آن همه سیماران و موشک زده های جنون آمیز، پس از رویم جتنا بتکا رخمینی در برابر راه و خواست مردم رنج دیده ایران و عراق و همه محافل صلح طلب جهان، به پذیرش آتش بس بی قید و شرط گردن گذاشت. احساس تمام مردم ما، امروز از یک سو احساس شادی و سرور و به خاطر گشوده شدن راه صلح و از سوی دیگر، احساس خشم و نفرت از رژیم به خاطر این همه درد و مصیبت بیبوهه ای است که به مردم تحمیل کرده است. مصائبی که با عقل سلیم و ذره ای احساس مسئولیت در برابر سرنوشت مردم و کشور، جلوگیری از آنها کاملاً امکان پذیر بود. اکنون سران رژیم با پدید آمدن دهکده گرا خون مدتها هزار جوان را بر خاک ریختند؟ چرا ۸ سال، بیبوهه این جنگ را ادامه دادند؟ چرا یک سال از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ امتناع کردند؟

آنها که بزرگ ترین خیانت غیرقابل بخشش خمینی و همدستانش علیه مردم ایران است. مردم کسانی را که در تحمیل این فاجعه دردناک به کشور دست داشتند، هرگز نخواهند بخشود. مردم در شرف فتح شدن ایران! رژیم گریه مرز و بوم را نه ترین وضعیت خود به قطعنامه آتش بس گردن گذاشته است، اما هنوز کلاً تسلیم خواست شما برای برقراری فوری صلح نشده است. هنیار با شیم و با اعمال فشار بیشتر مانع از آن شویم که این رژیم پلید و صدام جنتا بتکار با رادیکال و موشک و خمپاره را نصیب شهرها و روستاهای زیبای و دکنور سازند.

فدائیان خلق ایران همچنان تا کید می کنند که شعرا صلح همچنان عمده ترین و مبرم ترین شعار و خواست عموم مردم ما است. با پدید آمدن راه و خواست خود راه برقراری صلح کامل و پایداری میان دو کشور بیگانه کنیم. نباید اجازه دهیم رژیم پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را وسیله ترمیم ما شین جنگی خود قرار دهد. باید بلافاصله آتش بس اعلام شود. با دیستانت دفع الوقت که از جانب رژیم دنبال شده و می شود را افشا و رسوا کرد.

هم میماند عزیز! رژیم ولایت فقیه رژیم بدون آینده است. خمینی که این فلاکت اقتصادی و اجتماعی را بر سر مین ما مستولی کرده است، اکنون که راه گشودن را در پیش دارد، میگوید عمل خود را گردن نشینا نمی گرداند و روی بازی رژیم را ممکن سازد. خمینی که عظیم ترین ثروت های ملی ما را در کشور جنون سوزانید، اکنون از این رویه قطع صلح جنگ تن داده که می بیند عدم قطع صلح، هم در کشور ما و هم در جهان نیروهای با زهم وسیع تری را علیه آن بسیج میکند. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبر) تا کید می کند که پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط رژیم، یک پیروزی بزرگ برای مردم ما و همه نیروهای صلح دوست جهان، و یک عقب نشینی بزرگ در مقابل مردم زسوی رژیم است. باید این پیروزی بزرگ را جشن گرفت و آن را به هر مصلحتی نیرومند برای استقرار صلح پایدار و ادا هر یک از علیه این رژیم منفور، برای سرنگونی آن تبدیل کرد. ما در یک سال و نیم گذشته مکرراً تا کید کرده ایم بقیه در صفحه ۲

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبر)

مردم ایران و عراق خواهان برقراری فوری وبدون قید و شرط آتش بس هستند

* مردم میهنمان تنها جنتا بتکا رانه صدام به داخل مرزهای غربی کشور ما را با نفرت و انزجار می نگرند. * رژیم خمینی برای توجیه جنتا بتکا جنگی خود و صفا رخم و نفرت مردم، از نشرات های جنگی صدام بهره میگیرد.

دیگر سران رژیم نیز برای تیرنه خود و پنهان کردن نتایج فاجعه بار تا خیریک ساله در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت میگویند از این شرارت ها به سود خود بهره بگیرند. آنها در تهاجمات شریرا نه صدام میبماند نه ما را جستجوی کنند تا بسا توشل بدن شمارتا زده ای از عزیزان شمارا در صلح جنگی که برای جنتا بتکا رانه و به عیبت اصرار ورزیدند، با زهم قربانی کنند و خشم و نفرت به حق شمارا نسبت به این واقعت که خمینی هشت سال تمام زهره کا متان ریخت، به سوی دیگری منحرف سازند. این ادا به جنتا بتکا آفرینی های هشت ساله سران دو رژیم است. بقیه در صفحه ۳

هم میماند! بر اثر تهاجمات جنتا بتکا رانه رژیم صدام در داخل مرزهای غربی کشور ما و اقدام رژیم جنتا بتکار خمینی به بسیج و گسیل نیروهای تازه نفس به میدان های جنگ، شمار دیگری از مردم دو کشور همسایه ایران و عراق به خاک و خون در غلطیده اند. تهاجمات جنتا بتکا رانه صدام که در جستجوی امتیاز و برتری در مذاکرات و نیز تحکیم موقعیت خود در عراق و جهان عرب است، پیروزی بزرگ شما در ادا رساختن خمینی جنگ طلب به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شوروی امنیت را در معرض خطر قرار می دهد. اکنون خمینی و

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبر)

پیرامون جنایت بزرگ آمریکا در سرنگون کردن هوا پیمای مسافربری

ص ۳

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبر)

درباره اعدام گروهی دیگر از زندانیان سیاسی

ص ۳

شتاب در تجدید رابطه با غرب

طی ماهی که گذشت، روند "عادی سازی" رابطه رژیم اسلامی با "دنیا استکار" شتاب با زهم بیشتری گرفت. رابطه با فرانسه و کانادا در سطح سفارت احیا شد و در رابطه با انگلیس، اگر چه موانع هنوز به طور کامل بر طرف نشده، اما ماگامهای جدی و موفقی برداشته شده و با آمریکا نیز زمینه جینی های لازم برای رفع کدورت ها و اختلافات ادا م دارد.

سیاست خارجی همواره یکی از عرصه های و کشمکش میان جنتا بتکا حکومتی بوده است. زمانی وزیرخارجیه با دورزدن نخست وزیر، با رئیس جمهور رابطه برقراری کرد و زمانی دیگر نخست وزیر با نشان دادن این میان و موافقت خود بر مسائل هواپیمای وزیرخارجیه را در روزی زد. گاه رئیس مجلس انقرا زد و دولت وزارتخارجیه پروا نمی کرد و گاه "بیت قائم مقام مرهبری" با پروبال دادن به "نهت ها" و شعار رابطه میان ملت ما اصل است، نه بین دولت ها، در کار دولت موش می داند.

در آغاز بهای یکنونه "تاها هنگی" بهای جنتا تی داده نمی شد و قطب زده ها و محمد منتظر های هرکدام از خود را می زدند. اما رفته رفته کسبه توده های مردم به ما هیت رژیم فقها پی بردند و در نتیجه جنگ، عظمت طللی و شیکاری رفقا، اعتماد مردم نسبت به رژیم به تدریج زایل شد و بیحسبران سراپی "نظام" را فرار گرفت، داشتن حساب خرج و دخل یکدیگر از جمله درسیات خارجیا، هیت بیشتری یافت و سران رژیم نسبت به ناها هنگی در این عرصه حساسیت بیشتری نشان دادند. علاوه بر این ها شدید و تحکیم جنتا جندی در حکومت پدید آمدن توازن در میان جنتا بتکا، آنها را به سوی "بارگیری" در عرصه بین المللی سوق داد و کار به جایی رسید که بقیه در ص ۲

اعتراف تلخ نراز زهر

تا کما می رژیم در بسیج و گسیل گسترده مردم به جبهه ها، شکست سیاست های جنگ طلبانه ما را جویا نه رژیم خمینی و بجران گسترده اقطاعی - اجتماعی و حکومتی، سرانجام سردیداران رژیم را وادار ساخت تا در ضعیف ترین موقعیت ها، قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل را بپذیرند. خمینی که مسئول درجه اول ادا م این جنگ و کشتاری سابقه بیبوهه است، طی پیامی که فقط سیاست های جنگی رژیم خود را اعلام داشت و برای حفظ جمهوری اسلامی و بسده خاطر "مصالح نظام" "تاج زهری" را که ما نا اعتراف تلخ به شکست و تسلیم در برابر راه مردم بود، سرکشید.

سیاست خارجی ارتجاعی رژیم خمینی که همه مناسبات و روابط بین المللی خود را در خدمت جنگ و در رابطه با جنگ تنظیم نموده بود، و سیاست های ما را جویا نه و شنج فریبی رژیم در سطح نارس که زمینه ساز طللی خورنظامی وسیع آمریکا و متحدانش در این منطقه گردید، جمهوری اسلامی را در منطقه و جهان منزوی تر کرد.

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از جانب رژیم، با توجه به اینکه آتش بس فوری قطع جنگ در راس موارد است، با همه پیش شرطهای خمینی برای ادامه جنگ مغایر بوده و در واقع شکستی برای سیاست های جنگ طلبانه جمهوری اسلامی است. واکنش جمهوری اسلامی در مقابل قطعنامه ۵۹۸ دفع الوقت بود. رژیم از یک سو پذیرش قطعنامه را مغایر با اهداف و سیاست های جنگی اعلام شده خود می دید، از سوی دیگر نمی توانست نسبت به افکار عمومی جهان، انزوا ی سیاسی که اهنای مکانیسات تهیه سلاح، بی تفاوتی باشد. واقعیت آن است که در آن زمان هنوز سران جمهوری اسلامی امید خود را به دستیابی به اهداف جنگ به گونه ای که فا دریا شند، کشتار و رویرانی ناشی از جنگ افروزی خود را برای مردم توجیه کنند، اذ دست ندادند. بقیه در ص ۳

نهاد ببر" و جاره اندیشی های خمینی در ما های اخیر، به ویژه انتخاب رختجانی به جا نشینی فرمانده کل قوا، از تصمیمات مهمی بوده که خمینی و همدستانش، از جمله، به منظور آماده سازی اوضاع برای حفظ رژیم پس از مرگ خمینی اتخاذ کردند. این تمهیدات با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و حرکت رژیم در جهت تعیین تکلیف جنگ از سوی سران

پیرامون نوزدهمین کنفرانس سراسری ج. ل. ا. ش. طراحى چهره نوین سوسیالیسم

ص ۹

در این شماره

- مروری بر فاجعه ۸ ساله جنگ ص ۵
زهری که خمینی یکام مردم ریخت ص ۶
انوش، در آخرین آورده گاه ص ۴
درباره تبلیغات (۷) ص ۷
کانون بین المللی دفاع از حقوق سندیکایی ص ۸
اجلاس مهم سران کشورهای عضو پیمان ورشو ص ۲

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

تسلیم رژیم به ...
 که امکانات رژیم در جنگ، مستمرا محدود و محدودتر شده و اما مدتها ز مدت جنگ دیگر غیر ممکن شده است. برای این اساس پیش بینی می شود که رژیم تسلیم مردم شود و عملا از ادامه جنگ با زمانه ما، اما اینکه امروز رژیم به ناکامی و شتاب زده پذیرش قطعنامه اعلام می کند، به دردم ریختگی وضع رژیم و به روند انتقال قدرت به جانشین خمینی و نیز به شکست های سنگین در جبهه ها مربوط می شود.
 مردم میهن دوست ایران!

زمانی بود که رژیم متجاوزا کم بر عراق از "قا دسیه مدام" و رژیم جنون زده خمینی از فتح کربلا و قدس دمی زدند. اما تلاش و ایستادگی مردم و کشور فعلیت و نقش محافل صلح دوست و مجامع بین المللی، به ویژه سازمان ملل متحد، سرانجام به پیروزی خود و اقبالیته برجهل و تجاوزگری یاری رسانیدند و رژیم های فاسد کاپر هر دو کشور را وادار ساخت که از اذیت و محناییت منصرف شوند و اجرای قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد را مورد تأیید قرار دهند.

سیرو پیدا دهانشان می دهد که سازمان ملل متحد می تواند دوباره بدرخل و فصل منازعات بین المللی و اراشه و حل های مبتنی بر خرد و واقع بینی نقش روز افزون به عهده گیرد. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از

مردم ایران و عراق ...

بقیه از صفحه اول
 در هشت سال گذشته، مردم و کشور همسواران قریبانیان سیاست های ما جرا جویا نه و جنتا یتکارانه دور رژیم خمینی و صدام بوده اند. حاصل این سیاست ها مرگ و ویرانی برای مردم و کشور ایران و عراق بوده است. اکنون چهره ضد مردمی و جنتا یتکارانه سران دور رژیم به این شکل جلوه گر شده است که روزی آن جنگ و ویرانی را با زهم به تعویق اندازند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هرگونه تحلیل و دفع الوقت در برقرار آتش بس بدون قید و شرط و اخلاص در اجرای قطعنامه ۵۹۸ را قویا محکوم می کند. ما از هم میهنان خود می طلبیم که به بسیج و فراخوان های جنگی رژیم خمینی پاسخ نه بگویند، از شرکت در جبهه ها خودداری نمایند و از زنده نهدن بدیش از این رژیم خمینی مرگ و ویرانی را بر مردم و میهن ما تحمیل کنند.

ما از مردم و همه محافل ترقی خواه عراق نیز طلب می کنیم که تنها جرات جنگی رژیم صدام را محکوم کنند و نتوانند از راندها ما جرا جوشی های شیرانده و

تلاش های دیویرکل سازمان ملل متحد و شورای امنیت در راه قطع فوری جنگ ایران و عراق فعلا لایحه حمایت می کند. فدائیان خلق ایران، خواهان ادامه پیگیری نهگوش های سازمان ملل متحد برای برقراری فوری صلح میان دو کشور و حل و فصل اختلافات از طریق سیاسی است. هم وطنان گرامی!

ما همواره تا کید کرده ایم که حضور و مدافعت نظامی آمریکا و متحدینش تا توشی آن در منطقه خلیج فارس نه تنها کمکی به صلح نمی کند، بلکه فقط به تشنج و فجاج بیشتر که سقوط اسفناار و آبیما مسافری ایران، آخرین نمونه آن بود، کمک خواهد کرد.

فدائیان خلق از سازمان ملل متحد و از همه مجامع بین المللی و از تمام دولت های خواهنده نقض قطعنامه ۵۹۸ توسط آمریکا حضورنا و گمان آمریکا شی در خلیج فارس را محکوم کنند و دولت ریگان را برای خروج فوری قوای خود از منطقه تحت فشار بگذارند.

هم میهنان عزیز! اکنون به نیروی استقامت شما و حمایت وسیع جهانیان غیریت جنگ نفس های آخر می کشند. فدائیان خلق که تا مین صلح را مهم ترین وظیفه ملی و میهنی خود می دانند، امروز با شادی بسیار

تشبیهات خود، برقراری بی قید و شرط و بلا درنگ آتش بس را با مانع روبرو سازد. مردم ایران و عراق اجازه نخواهند داد که سران دور رژیم به توسل به هیج ترفند و پنهان های صبح فرخنده صلح را به تعویق اندازند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در این شرایط حساس، همه مردم صلح دوست کشور و کلیه محافل صلح خواه ایران و عراق و مجامع صلح طلب سران سرچنان را فرا می خواند که با محکوم ساختن تشبیهات جنگی رژیم صدام و بر حذر داشتن رژیم خمینی از توسل به تشبیهاتی که اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را با وقفه روبرو می سازد، به امر استقامت صلح با پیدار میان دو کشور ایران و عراق که گامی قطعی در راه صلح است تشنج فزاینده آمریکا و لیسما و رتاج در منطقه ما و به خود تحکیم صلح در جهان امروز است، بیش از پیش صاعدت نمایند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در این لحظات حساس که مبارزات مردم ایران و تلاش های بیگنا را به صلح دوست جهانیان، رژیم جنتا یتکار خمینی را وادار به بدبیش

این پیروزی بزرگ بر تنگ طلخی خمینی را گرامی داشته و میباید قوت با خلق ایران بسیاری را بر ما آخرین نفس در راه ها شای خلق زحمتکش ایران را تکرار می کنند. هم میهنان مبارزان! مطمئن باشید که امروز شما را هدست با بی صلح را هموار کرده ایم، راه رسیدن به ایرانی آباد، مدافع صلح و دمکراتیک و مستقل را نیز با همگامی و پیروزی خمینی و رژیمش همسوار خواهید کرد.

زنده باد صلح، زنده باد جنگی هرچه مستحکم تر باشد اتحاد گسترده همه نیروها شای برای ساختن ایرانی صلح آمیز، دمکراتیک و مستقل مبارزه می کنند.

سرنگون بسا در رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تیرماه ۱۳۶۷

قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ساخته است، با رد دیگر از شریت صلح دوست، از همه مجامع و محافل بین المللی و به ویژه از دیویرکل سازمان ملل متحد می طلبیم، با بسیج همه مکاناتی که در اختیار ما دارند، در گوناگونترین زمانی که امکان پذیر است، تمهیدات و تخصیص های لازم جهت برقراری بی قید و شرط آتش بس میان دو کشور ایران و عراق را فراهم آورند.

مردم ایران و عراق خواهان صلح با پیدارند. برقراری فوری و بدون قید و شرط آتش بس در تمام خطوط جبهه ها و اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ مهم ترین خواست مردم ما است. جنگ با پیدار در تمام جبهه ها قطع شود و نیروهای دوطرف با بدبیش سرمرز جبهه های بیابانی با زگردند.

زنده باد صلح، مرگ و ویرانی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اول مرداد ۱۳۶۷

اجلاس مهم سران کشورهای

عضو پیمان ورشو

روزهای ۲۵-۲۴ تیرماه در ورشو پایتخت لهستان اجتماع مهم کمیته های سیاسی شورتنی کشورهای عضو پیمان ورشو (آلمان شوروی، آلمان دمکراتیک - بلغارستان - رومانی - لهستان - مجارستان) که رهبران این کشورها هیئت های نمایندگی را سرپرستی می کردند، تشکیل گردید. در پایان اجلاس در ورشو اعلامیه ای پیرامون مهم ترین مسائل جهان و منطقه اروپا اظهار نظر گردید.

در این اعلامیه آمده است که، گرا پیمان تعیین مساعدی که در روابط شرق و غرب پدید آمده است سبب تخفیف روابط روسی ها و تقویت ارتباط متقابل گردیده و در نتیجه شرایط مناسب تری برای همسایر مسابقه تسلیحاتی، کاهش هزینه های جنگی و حمل و نقل در کیریبهای منطقه ای به وجود آمده است.

البته این در حالی است که هنوز تا به وجود آمدن تحول ریشه ای برای بهتر شدن اوضاع راه طولانی تری در پیش است و خطرناک بودی بشریت و زندگی هنوز مرتفع نشده است. در این رابطه اجتماع سران کشورهای عضو پیمان ورشو همگی کشورها را فرا خواند که برای تحکیم صلح و امنیت و تحقق صلح و سلامت فراهم آوردن جو مساعدرتری برای بحث و گفتگوهای وسیع و دمکراتیک در تیز کردن زندگی بین المللی مساعی بیشتری به عمل آورند.

اجلاس ضرورت اولویت ارزش های عسوم بشری در رابطه بین همه دولت ها تا کید دور رژیم از قوت اجزای یافتن قرارداد شوروی و آمریکا در باره محموله های میان بردگونا به رده ستی است استقبال نموده و در عین حال از اقداماتی که از هم اکنون در برخی کشورها در دست اجرا است و می تواند روند قطع سلاح را با دشواری مواجهه ساخته و حتی مانع آن گردد، ابراز نگرانی کرد. لازم به یادآوری است که برنام "جبران سازی از طریق افزایش و مدرنیزه کردن وسیع تسلیحات که در جریان

و پس از آنقا دقرا ردا های شوروی و آمریکا به راه افتاد است، چنین احساس خطر و نگرانی را موجب شده است.

رهبران کشورهای پیمان ورشو در این اجلاس خواهان بالابردن شمر بخشی سازمان ملل متحد و ارگانهای عالی و نقش دیویرکل آن در حل مناقشات بین دولت ها از راه مذاکرات و میا نجیگری شدند.

از جمله در اعلامیه با این اجلاس تصریح گردیده است که در اوضاع کنونی، رعایت و تحقیق حقوق بشر و روشد و تگامرکری بین المللی در عرصه های بشردوستانه اهمیت ویژه ای دارد. کشورهای میزبیر این اعتقادند که باید تلاش نمود تا حقوق بشر در کار روز زندگی، در شرایط صلح و آزادی و تحقیق کامل حقوق سیاسی، تبادل فرهنگی در رابطه متقابل کشورهای با رعایت اصل عدم دخالت در امور داخلی بدهیگر، تا مین گردد.

اجلاس یک بار دیگر بر تغییرنا پذیری موضع کشورهای شرکت کننده در مورد انحلال همزمان اتحادیه های نظامی نا تو و ورشو تأکید ورزید.

رهبران کشورهای عضو پیمان ورشو، سند مهم جداگانه ای در باره مذاکره بر سر کاهش نیروهای صلح و سلاح های عادی در اروپا به تدریج و طی مراحل مختلف، انتشار دادند و پیشنها خود را برای شروع مذاکرات مستقیم بین دولت های عضو پیمان نا تو و ورشو بر سر ثابت نگه داشتن کاهش هزینه های نظامی برای مدت یک تا دو سال و خودداری متقابل از افزایش این هزینه ها اعلام داشتند.

شتاب در ...
 ربحا رمورنی نما بینده ریگان در خا ورمینا نه اعلام نمود که "دولت آمریکا با کاشی که خود را کشتا بندگان جنتا های گوناگون در ایران معرفی می کنند، وارد مذاکره نخواهد شد" (رادایوا آمریکا ۱۵/۴/۶۷).

بر سرتوجین اوضاع اسفنااری، وقتیمی دا رودستر فسنجانی تصمیم گرفت که با ارائه سیاست خارجی "معتول" حمایت آمریکا و مقدم بر آن، حمایت متحدان نا تویی آمریکا را جلب نماید، خود را با موانعی مواجه دید و برای بر طرف کردن آنها با ردیگر دست به دامن خمینی شد؛ ولایتی طی نامه ای از عنا صرغیر مسئولی که در مورسیا ست خارجی مدخله می کنند، تگوه کرد و خمینی در پاسخ آن "عنا صرغیر مسئول" را از مدخله منع نمود و به این ترتیب راه برای بشیردسیاست تازه، تساهدی که تخیخ خمینی برایش داشت، هموار شد. از آن پس اجبا صنا سیات نا برابرا دولت هسای آمریکا لیستی شتاب گرفت.

این شتاب که جلوه ای است از شکاف فزاینده میان رژیم و توده های مردم، در عین حال بیانگر تلاش رژیم جهت خلاصی از انزوا ی سیاسی به قیمت پامال کردن بیش از پیش منافع ملی مردم ما است. بی جهت نیست که رژیم برای تسریع این روند، نه تنها اطرز برخی از ادعاها و توقعات بدین خود در مقابل این کشورها صرف نظر کرده، بلکه اشتباهی آنها را نیز با برخی وعده های مساعد تحریک کرده است.

مهم ترین و آخرین گام در روند جدید و باسب خارجی رژیم، گوش در جهت بهره گیری هر چه بیشتر از امکانات مساعدی است که پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در رابطه با آمریکا پدید آمده است. هر چند این گام، بدون شننج در نیروهای کام برداشته نخواهد شد و سیری دشوار رو کند خواهد داشت. اما به هر حال روندی که از مدت ها پیش آغاز شده و اینک شتاب گرفته است، در جهت تحدید دم فزون استقلال سیاسی گسترش خواهد یافت.

آدرس
 P.O. Box 1091 WIEN AUSTRIA
 حساب بانکی
 AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD ARTNER

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعدام ناجوانانمردانه گروهی دیگر از زندانیان سیاسی را با خشم و نفرت محکوم می کنیم

هم میهنان!
در سرگناه ۲۹ تیرماه ۱۳۴۷ رژیم ددمنش جمهوری اسلامی با ردیگرهفت تن از فرزندان سزادان قهرمان و دلورشا را اعدام کرد. تاکنون نسنام افتخار آفرین چهارتن از این شهیدان خلسلق معلوم شده است.
فدائی خلق، رفیق قهرمان فرامرز موفسی، از کادرهای برجسته سازمان ما، و رفقا سعید ذرینگ میا زربسا بقیه، مقارومثابت قدم، از کادرهای حزب توده ایران، کیومرث زرنشاس عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، و نیز تعدادی از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران در میان اعدام شده گسنان هستند. آنها سالها در اسارت جمهوری اسلامی بودند، شکنجه های وحشیانه رژیم را تحمل کردند و سرانجام در دره پیمانیا نیا ندمند.
رژیم جنا پیتکا رخمینی که بحران تریسن روزهای عمر خود را می گذراند، کجسرا نه و تپیکاران ه از مردم انتقام می گیرد. سران جنا پیتکا جمهوری اسلامی بنا بر این خاش کردن فریاد طلبی و

اعدا مزندان نیا ن سیاسی را محکوم کنید. ا جاز نه ندیدید تا جانیان حاکم پیش از این خون فرزندان شما را بریزند. ا جاز نه دیدید تا میهن پرستان و آزادیخواهان به شکنجه و تلابه کشیده شوند.
نیروهای مبارز و آزادیخواه!

علیه تروریسم رخمینی، علیه وحشیگری بی با بقیه رژیم فقیها، برای نجات جان زندانیان سیاسی، برای دفاع از اهداف شریف و انسانی یا ران در بند خود، برای همکاری و همیاری با خاواده های زندانیان سیاسی، برای بسج خلق علیه ترور و اختناق، متحد شویم. اقدام عملی مشترک را برای نجات جسان زندانیان سیاسی با زمان دهیم.
هم میهنان عزیز!

ایمان داریم که رژیم تپیکار جمهوری اسلامی با توسل به چنین جنایت ها ئی قا در نیت بسر اراده مردم میهن ما غلبه کند. رژیم با جنا پیت و سفاکی های خود، مرگ خویش را نزدیک تر خوا هسد کرد.
درویدیکران بر شهیدان خلسلق ننگ و نفرت بر جلادان حاکم بر ایران سرتگون با در زیم جنا پیتکار جمهوری سلا می کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۳۰ تیرماه ۱۳۴۷

آزادخواهی مردم، و برای رها نیدن گریبان خود از طوفان خشم خلق، به تپیکار ریپای مذبحوحانسه متوسل شده اند.

در شرایطی که خمینی جنگ طلب در مقابل اراده مردم به زانو افتاده و تسلیم شده، در شرایطی که سیاست های رژیم در همه عرصه ها با بن بست مواجه شده و میلگ تریسن بحران ها گریبان او را گرفته است، خمینی و همدستانش برای حفظ رژیم خود پسه سرکوب شدت بخشیده و از زندانیان و اسیران انتقام می گیرند.

اعدام های گروهی میهن پرستان در بند و تدارک اعدام های مخفیانه گروه های دیگری از فرزندان دلورومیا ز مردم، نشانه وحشت این رژیم بی آینده از سر نوشت خویش است. آنها از انتقام مردم می ترسند. آنها از قهرمانان در بند که بر سر پیمان خود با مردم ایستاده اند، هراس دارند.
هم میهنان!

اطلاعات دیگری حاکی از آن است که حکم اعدام ۵۵ تن دیگر از فرزندان دلورومیا ایران کس اعدام در سیه ا جالهای جمهوری اسلامی به سرمی برنسد، در بیادگان های رژیم تپیتکا شده است.
نگ بسیار از فرزندان اسیر شما در خطر جدی است. رژیم تپیکار رخمینی قسرا ندهد ا ز زندانیان سیاسی را گروه گروه، بی سرو صدا سربسه نیست کند.
علیه این تپیکار ریپا به یا خیزید، شکنجه و

از احساسات فدا میکانی مردم ایران برای اجرای برتا مهای خونخیزی شان هشدار می دهد. محکوم شناختن اقدام فدا نانی امریکا نمی تواند نوسیا بد برای سیاست های جنگ افروزان رژیم جنگ پرست خمینی که زمینه ساز حضور مداخله جویان امریکا و شرکای آنها در خلیج فارس بوده و هست، کمترین مشروعیتی ایجاد نکند.

هم میهنان!
برای آنکه فاجعه تکان دهنده کشتار ۲۹۸ انسان بی گناه و تواجیح مشابه آن دیگریا رتکارا رنشود، با بد صلح و امنیت به میهن ما، به مرزهای خشکی، آبی، هوایی کشورهای ریزیده نیهای بین المللی خلیج فارس برگردا نه شود. با بدنیروهای تمل و زکارت امریکا بی هیچ تعلل و عذری از خلیج فارس بیرون برود و جنگ بی هیچ درنگی با بد قطع شود و مذاکره برای آتین صلح با یاد آرین دو کشور ایران و عراق آغاز گردد. راه حل دیگری از کشتار انسانهای بی دفاع و بی گناه، به اجرا درآسدن هر چه سریع تر قطعاً ما ۵۹۸ شورای امنیت است.

ننگ و نفرت بر امیرالیم جنایتکار امریکا سرگ بر جنگ، زنده با د صلح کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۳ تیرماه ۱۳۴۷

ندارد. هدف امریکا از لشکر کشی به منطقه خلیج فارس صرفاً تحقق اهداف تجاوزکارانه امیرالیمستی ن در این منطقه است. امریکای سی هیچ محوزقا نوسی و با زبیریا نیا دن هرگونه توانین بین المللی، حضور تروریستی را هزنا نه خود و متحدین امیرالیمستی ن در خلیج فارس را به نیانه ادا مه جنگ ایران و عراق و شنج در خلیج فارس توجیه کرده می کند. رژیم جنگ افروزم جمهوری اسلامی در دادن نیانه به دست امیرالیمسا هیتا متجاوز و زورما جرای امریکا، مسولیت مستقیم دارد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اقداما هزنا نه نا و گان دریائی امریکا در حمله به هوایمی مسافربری ایران! ایرا که به فاصله چند ساعت پس از وقوع این جنایت، برمسما از طرف رئیس جمهور امریکا مورد ستیسان ت قرار گرفت، یک جنایت بزرگ و کج عمل تجاوزکارانه امیرالیمسا امریکا علیه مردم ایران می نشاند. سده او همه دولت ها و محامع جهانی می خوا هد که این اقدام جنایتکارانه غیر قابل توجیه را قاطعانه محکوم کنند و از دولت امریکا بخوا هند تا نسبت لشکر کشی و راهزنی در آبهای خلیج فارس با سنان داده و بی درنگ نیروهای دریائی خود را از آبهای خلیج فارس بیرون برد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با اسرا ز همدردی خود با هم وطنسنان شرافتمند، فریاد اعتراض را علیه ددمنش جنا پیتکاران امریکائی بلند می کند و در عین حال پیشا سیش در مورد هرگونه سوء استفاده جنگ افروزان حاکم

نفت کش های جمهوری اسلامی جریان ارسال نفت ایران را مختل کرده بود. ۲ خرداد دوزیر دفاع عراق اعلام کرد، تصرف شلمچه، مهرا ن، دهلران، قصر شیرین و سومار، و جزو ا جهای مقدم ارتش این کشور است. ۴ خرداد شلمچه توسط عراق تصرف شد. دیگروشن شکره رژیم جمهوری اسلامی توان جنگیدن و ادا سه کشتار را از دست داده است. تلاش مذبحوحا نه و خونبار رژیم برای تصرف مجدد شلمچه پس از انتصا ب رفسنجانی به مقام جانشین فرماندهی کل قوا نیدر شکت خورد و نوانی رژیم را بیشتر نشان داد. گفتار پیرجماران اما هنوز دست از رویای سوم و خونین خود پرنمی داشت. او در پیا مبه مجلس سوم زوزه کشید: "سروششت جنگ در جبهه ها تعیین می شود، نه پشت میز مذاکره". خمینی در عطش سوزان خلافت سر "بلادا سلام"، مذبحوحا نه نیروهای نظامی را قرا خا نده هر چه زود تر دست به حمله بزنند، اما ما بنگا ر عمل نه تنها در عرصه سیاسی بلکه در عرصه نظامی نیز دیگر به دست عراق افتاده بود، مجنون از تصرف قوای خمینی خارج شد، امریکا فاجعه سقوط هوا پیمای مسافربری را آفرید، فلاکت اقتصادی، انزوای سیاسی در جهان، خشم و نارانیت مردم خسته از جنگ و کشتار، اعتراض گسترده جهانی علیه جنگ و جنگ افروزان و بالاخره شکست های بی دریبی نظامی در جبهه ها، رژیم تپیکار رخمینی را در زمانه مستاصل کرد.

خمینی جلادسی از ۸ ا ج جنگ و خونریزی، در حوضی زونی و استیصال ا در برابر اراده مردم زانودر آمد: "قطعا ما ۵۹۸ را می بذریم، هر چند که پذیرش این خون نوشیدن زهراست.
اما با این پذیرش، گلوئی خمینی از جنگ مردم را نخوا هدد، او یک جنا پیتکار جنگی است و با بدیاسخ دهد: جنگ، کشتار و ویرانی جوا هفت سال ادا می یافت؟ برای ا ج؟ □

مروزی پر... بقیه از صفحه ۵ به ایران شلیک کرد. ۱۲ اقسندوقتی کشتار در اوج بود، فدائیان خلق ضمن انتشار اطلاعیه ای تا کید کردند: "تنها راه جلوگیری از تکرار جنایت های جنگی، آتش بس بدون قید و شرط و اجرای قطعاً ما ۵۹۸ است. ما رژیم در تبلیغات خود از سیاست جنگ تا پیروزی دست نکشید، دریا سخ به خواست صلح طلبانه مردم، خمینی گفت: "به جای قیل و قال، دعا کنید خمینی بسپرد: ۲۸ اردیبهشت عراق در تپیکار سنی خونین، با ورا تصرف کرد، بزرگ ترین شکت دست در جبهه ها، پس از سال ۶۰، بر رژیم خمینی وارد آمد. قبل از آن در ۲۴ اردیبهشت حمله سنگین عراق به

رژیم بحران زده ای که علیرغم فشارهای بی شمار و سوء استفاده فراخی و عوام فریبانه از تبلیغات و سنت های مذهبی و میهن پرستانم مردم، از "گرم نگه داشتن تروجنک" تا امیدشده و در آستانه ورشکستگی کامل قرا گرفت، اتخاذ شده است.

خمینی که خا خا خا زده گشته و وعده های خود یکبار ه دست بشود و آبرویا خسته به میدان توجیه جنایات خود بیا ید، می خوا هدا رژیم ولایت فقیه ش را از خشم مردم زمانه دارد. مصلحتی که او از آن سخن می گوید، مصلح آخوندها و رژیم جنا پیتکار جمهوری اسلامی است.

مردم صلح دوست و آزادیخواه میهن مسما از برقراری آتش بس و قطع جنگ و استقرار صلح استقبال کرده می کنند. این خواست در سرنیسان آنها بوده است. مردم از جنگ و جنگ افروزان متنفر بوده و هستند. آنها از زودا رنده که تنها در میهنشان صلح با یادا ر استقرار یابد، بلکه ایران با یک گناه صلح و دوستی در منطقه باشد، و در این راه پیکار و مصمم پیکار می کنند. □

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیرامون جنایت بزرگ آمریکا در سرنگون کردن هوا پیمای مسافربری

هم میهنان!
روز گذشته نا و گان دریائی امریکا در خلیج فارس طی اقدامی جنایتکارانه و راهزنا نه، سبک فرود هوا پیمای مسافربری ایران ایرا کس از فراز خلیج فارس می گذشت، با حمله موشکی قرا داد و آن را سرنگون کرد. این فاجعه محربه مرگ قبیح همه ۲۹۸ نفر مسافر و خدمه این هوا پیمای مسافربری گردید.

این جنایت تکان دهنده تمام مردم کسور را در ما تم عمیقی فرورود نفرت و انزجار مردم ایران و همه شریک علیه امیرالیمس متجاوز امریکارا برانگیخت. فاجعه حمله موشکی به هوا پیمای مسافربری ایران ایتوسط نا و گان دریائی امریکا با ردیگر تاقا بزهره گریه امریکائی جنایتکار برداشت و ددمنش آن را بیش از پیش به نما سیش گذاشت. اقدام جنایتکارانه نا و گان دریائی امریکا که به مرگ ۲۹۸ نفر انسان بی گناه منجر شد، هم چنین نشان داد که لشکر کشی غیر قابل توجیه امیرالیمسا امریکا و شرکای آنها به خلیج فارس که به نیانه دروغین تا مین امنیت در منطقه صورت گرفت، است. جوا فزایش شنج از زمین بردن امنیت حداقل در آبهای خلیج و آسمان آن، و جز کشتار انسانهای بی دفاع هیچ نتیجه دیگری نداشت. و

اعتراف تلخ تر... بقیه از صفحه اول جمهوری اسلامی شتاب گرفت. روشن بود که پس از خمینی هیچیک از همدستان جنا پیتکارا و از ترس مردم نمی توانستند گریبان خود را بهر ا جتی از جنگ تپیکارانه ای که همه سران جمهوری اسلامی و هر یک به سیم خود مسول تسداد و م آن بوده و هستند، خلاص کنند. با بد خمینی این جام زهر را می نوشید و در زمان حیات خود، جنایات عبت و تپیکار را خود و رژیمش را توجیه می کرد. این مسرالیمه موقعیت جانشینان وی را به قیامت قربانی شدن خود و بیپهودی بخشید.

خمینی در پیا مش که به نیانه از زمانه سیم حج و دوزا قع به خاطر توجیه پذیرش آتش بس انتشار یافت، ما جازا نه و زیوانا نه از مردم خواست تسا آرا ما شدند رژیم پیتکاران را به خا طر کشتارهای تپیکارانه و بی حاصل و ویرانی های وحشتناک مورد مواخذه قرا رند دهند. او گفت، نپرسید که: "تسره خون ها و ایثارها و شهادت ها چه شد؟" او سردر مدار و مقابله این پرسش درست که نشان می دهد جنایت و ویرانی چه بوده است؟ به "عوا لم غیب" و اجسر اخروی و مغانع و آتشی با "فلسفه شهادت" حواله داد. او همانا گونه که تپیکارانه جنگی خا خا نسوز و ایران برپا دده را بی جون و جوا و بدون توجیه به مرگ یک میلیون انسان بی گناه، و برپا درفتن هستی مردم و اعتراف آنها، ادا مه داد. اکنون با ز قیامنا نه از مردم طلب می کند که "بدون جون و جوا و با ید و نیا بد ها" به تممیم امروز او که "شخمینی مصلحت بوده است"، گردن نهند و نپرسند که مسؤل این همه جنایت چیست؟ روشن است که عجز و تلابه خلیفه جماران و پذیرش قطعا مه ۵۹۸ توسط وی، نه نانی از فدییده شدن روح صلح طلبی برای و نه نانی از نلسوزی و اسرای جان و مال مردم و مصالح کشور است. این تممیم قبل از هر چیز به دلیل مصالح سیاسی رژیم اسلامی،

انوش ، در آخرین آورده‌گاه

در این باره آخرین ، ۴ سال در انفرادی بوده است ، تنجای تنها . این بار دیگر تنهایی به پایتخت می رسد .

طول سلول انفرادی ، ۲/۵ قدم است . و در این فاصله و ، آرموسکیا رگامی زند ، آخرین ساعات ، آخرین دقیق و آخرین لحظه های زندگی . خسته است اما ملاتبی خواهد که این لحظه را به خواب بگذراند . مغز با شتابی فرا ترا حدهای مشغول به کار است . بر فراز قله ۴۰ سال زندگی و بیگانه گار جانانه ، روزهای خوب و شیرین ، و تلخکامی‌ها ، استواری و افتخار در می توقف می کند . نفس می گیرد . سینه خسته است از کوله بارهای سنگین و گردنه های نفس گیر .

تحمیل کن . واپسین گامهای مردانه ات را بردار ، اینک قله زبیر پای تست ، قله عروج . لبخندی کرمگش با گونه های که چشمو روک می خورند و چشمهای که آرمی بر هم می آیند کاسی از رفاهیت درون مردی است که همه سالهای عمر را در سخت ترین مهلکه را زنده است . روزها ، ماهها و ساعتها در دروازه شکنجه ها تا آنکه مرگ کند کرده است تا آنجا که آدمیزاد هزار بار آرزوی کند که گاش دیگر جانی نداشت . سارا مرگ را تا دودم خویشتن با چشمهای دیده است ، آنچنان که دیگر خوب می شناسد ، آنگونه که دیگر مرگ را هم می شناسد . ملابت خویشتن کرده است .

لحظه های با شکوه زندگی در برابرش می آیند . آن زمستان که از در بچه کوچک زندان قصر ، میان موج خروشان انسانهای منتظر در میاید نگاه بزرگ جلوی زندان روی دستهای رفت . آنقدر فروتن است که اکنون هم از یاد آوری آن ، سر به زیر می افکند . روزهای بعد که با تندر مسلسل و شمشیرهای گره کرده مردم ، با روهای دشمن یکی پس از دیگری فرو می ریخت : فرج باد ، عزت آباد ، جمشیدیه و دردیبر هنگامی که کلانتری سوار . نفس عمیقی که می کشید با زهم سینه راه دردی آورد . لحظه ای می بستد و با هم در طول سالها به راه می افتد . با دنیای که در این سالها رفتند و با دنیا که هنوز هستند . جقدر دلش می خواهد که حتی برای لحظه ای هم در غوشن بکشد .

و یاد آخرین روزهای آزادی . روزهایی که سناهای سنجش ، تنگی که همسایرکان با بود . روزها می که فقط چند کلامش دلی آرام می کردند . روزهای که دیگر احساس می کردند تودمن بر لحظه جمع ترمی خود را و راهی به بیرون می جست . سرانجام آن روز ۲۷ مرداد ۶۲ که درجا ده جالوس با یک لشکرکامیون و سواری و موتور سواری صحرای کوه کرده اند و سپس آن روزهای بلند ، آن روزهایی که تنها که هر دقیقه اش هزار سال می نمود و وقتی که گذشت ، درست مثل یک کابوس تلخ بود . بوی بد رنگ خیالش به نخستین ملاقات با مادر . آخ که انوش این شیرین را حق در دست داشت و او جقدر رنجش را به دوش کشیده بود . هیچگاه نتوانسته بود آنچه را که در قلبش دار دنیا و ابا زگوید . کاش الان فقط دقیقه ای با زهم دیدارش می آمد تا سربه بالینش نهد ، خود را که رانندگی برایش آخریست لای لای را بخواند . تنهیب بر خود ، و خیال به سوسوی دخترش پروا ز می کند که اکنون در آغوش خورشیدش ، همسرش میترا آمده است . ذوق می کند و دلش پیر می کند برای بوسه ای بر گونه های دخترش . بی اختیار " مرابوس " از مزه می کند . تما و پیر و در رفت و آمدند . در این ۵ سال فقط ۲ بار همسرش رفیق فدکا کارش را ازینت محفظه شیشه ای - با بیه قول بچه ها آکواریموم . ملاقات کرده است . از یاد آوری " آکواریموم " خنده اش می گیرد و از خنده ، سرفه ها می آید .

تا سپیده هنوز ساعتی چند باقی مانده است . اسطوره با ردیگر پس از ۳۰ سال و پس از ۳۰۰۰ سال تکرار می شود . با ردیگر پهلوانی از لشکرکامیون را فرستاده اند تا با کمان و شمشیر آن مردهای سازمان ما را ، فرخانی آزادی و شرف را معین کنند ، آن چنان که باید است . سپیده که بر آید ، بر سنج آسمان آسای البرز ، تیرجان را ، پهلوان پرتاب خواهد کرد .

شنبه ۷ خرداد ۱۳۶۷ . آنها که خبر سر را شنیده اند با دلهره و اضطراب سراغ روزنامه فروشی های روزنود در میان کادرو که اطلاعیه دادستانی خبری می خوانند : (انوشیروان لطفی . . . وینش گلخواه یثان را می فشارد . روزمانی کوتاه ، همه خبر شده اند . خا لاهر کس که از او چیزی شنیده و یا حتی یک بار و آ دیده است ، دندان خشمش در داغدار می نهد . یک به یک و سپس گروه گروه روانه خانه اش می شوند ، خانه ای کسسه

زندان ن اوین ، بند ۳ ، شاگه ۴ خرداد ۱۳۶۷ . وضع مثل روزهای دیگر نیست . از وقتی که نگهبانان وارد شدند بیرون رفت ، ابتدا سکوت شد ، سپس پیچیده ها و اینک همه . چیزی مثل دردهم گلخواه را نشنیده است . عصب ها هم کشیده شده اند مثل سیم تارگی که آما دهدها بر آوردن است . جوانترها برایشان ننند . تلنگری کافی است تا حق در نوشتن را بشنوی و نگاهی نگویان خشمشان را ببینی . اما آماش آن کسه در میان ایستاده است ، به هیچیک از این ها مجال بروز نمی دهد . خنده مهربان بر چهره آرام و دوست داشتنی اش مثل چشمه ای است که در بیابان زاری تشنه به راه می افتد و هر آنچهره رستی است و بسوی زندگی می دهد و سیراب می کند . سیراب به او میسد ، آرموز را به فردا و مرگ را به زندگی نویسد می دهد . آ آن که در میان ایستاده است را فرا خوانده اند تا به آردگاه هنر بردارن برود . گفته اند که لبها سپایش کاندوبار این را بدرد و گوید که این داغ آخین است . حکم اعدا را به او ، به انوشیروان لطفی ابلاغ کرده اند .

به نگهبانها که در درون بندیر می اندکسی نظری نمی افکند ، آنگاه که نیستند ، آنها هم که سرخ " نظم " زندان را به دست دارند ، منتظر و مشوش محسوس و فرو خیزده ، نظرها که برنگرد ، بیمناک انقراض سرود . یاران هم زنجیر ، یک به یک می آیند ، خود را در سینه فراخ و مردانه او را می کنند . لحظه ای مکث ، بوسه ای بر گونه های خون دیده او را به دیدگی می دهند . دستیها پهلوانی او شانه ها یثان را نوازش می کنند .

نسیمی آرام که از یال های پلنگی جال روان شده ، بدر در اوین می پیچد ، با مهی " اوین " را می باید و دل به نجوا و همهمه بلنگهای اسیر می سپرد . نجوا می گرفتار رفته سار ترمی شود . صدای انسان است ، صدای مدها انسان که آنگاه از یک گلو بر می آید ، صدای که بی لرزش است . سرود همبستگی است . خیره سرعت برق در همه جا پیچیده است : انوش را برای اعدا می انفرادی می برند ، و این را که برای اعدا می برند ، فاتح شکنجه گاه ها است ، قله فتح نام شده و این است ، کلید دار قلب میا زبیر در بند است . برادر ، دوست و رفیق همه هم زنجیران است .

سرود اسیران بر لبهای نسیم زدیوارهای اوین می گذرد ، نسیم نجواگر ، از غریب بلنگان ، از سرود نیرو می گیرد و به یاد دمنده و غران بدل می شود . در برابر آستان ، درختان همه سرخم کرده اند ، با صدای باد ، درختان به هم سرسای ، سرودی می خوانند . لحظه عزیمت است . صدای آرام و مکی گرفته شده آن که در میان ایستاده است ، سکوت دوباره راه است . اتاق با زمی گرداند . حتی گنجشک ها هم گوشی ساکت شده اند تا آخرین کلماتش را بشنوند . تا طق زبردستی نیست ، اما کلمات این بار با روانی از گلویش بیرون می آید . نیرویی که در این لحظه ها در جانش پدید آمده ، قدرت کلارا ده چندا کرده است . سراپای وجود آنها که می شوند ، گوش است . همه کسانسی را که با هم بوده اند ، در برابر یک دژ خیم زنده اند . به اتحاد قوا می خواند ، بر میثاق همبستگی و یکپار مشترک به خاطر سعادت مردم و سربلندی میهن یکبار می نشنود ، به نام مردم و برای آن که زندگی آزاد ، صلح میز و خوشبختی داشته باشند ، با هم با شید ، دست در دست هم ، با زودریا و او در ترمی و احدی پیش بروید و بدانید که پیروزی از آن ما است ، زیرا که به پیروید راه حقیقت و عدالت می رویم .

درست ۱۳ سال پیش هم انوش را برای تیرباران بردند . آن زمان حبس سنگین ها و نامداران زندان ، در بند ۴ اوین جمع بودند و انوش را از همان جا برای دادگاه دوم پوه سوی جمشیدیه برده کردند . اینک در میان این جمع ، تنی چند از این یاران قدیمی هم هستند ، اگر چه گذشت زمان شگسته ترشان کرده است ، اگر چه جو بی راهای سپید در موهای شقیقه گواه ۱۳ سال رنج و تلاش است ، اما قلب با به همان امیدواری سالهای پیش برای پیروزی می تپد . بی آده آرزوی کنند که کاش این بار هم ، تنوش زنده با زگرده . اما قلب با یثان گوا می دهد که این بار روی گریبان آن کار است . نگاههای او در فاصله کلمات آنها سنگینی می کند .

نگهبانها در بیرون اتاق بی طقت شده اند و آن که در میان ایستاده است ، مهلت نمی دهد که بار دیگر به درون آیند . جمعیت را به ریگی با زمی کشند و انوش آرام از میان این رودخانه انسانی ، به بیرون راه می برد . سکوت را فقط صدای پسیای او و پوین نگهبانها می شنکند ، چهره خندان ، نگهگاه مهربان و گردن آفرشته ، آخین تا بلوی است که در یادها می ماند . تا بسته شدن دربزرگ و آهنی ، نگهبانها حتی بر نمی گردند که بچه ها را ببینند . تنها آن آخین نگهبانی که قفل بر در می زند ، مسزود درسا نداه است که طقت تحمل این همه زبونی را نندارد و برای خلاصی خود از این تنگنا می گوید : " شما امروز چنین گرفتید ، ما هم فردا که تیرباران شدیم ، می گیریم " .

باز هم سلول انفرادی ، آشنای انوش ، تنجای

بوی اومی دهد . رفت و آمد در سوسین خانه کوجه " نیرو " یک لحظه هم قطع نمی شود . تلفن یک لحظه هم آرام نمی گیرد . تا مهیبت نامه ای رسد و حرف ها تنها بکی است . انوش ، عزیز همه ما بود ، انوش تنها بکی هزاران انوش ، در سرا سر میهنش فرزندان ما درش هستند .

درون اتاق در دوسوی عکس بزرگ او ، ۲ گل سرخ را آویخته اند . چه آرا مشی در نگاهش نیفته است . چشمهایش با توخن می گویند . ما درش اکنون در میان ایستاده ، اما رخت عزابت نیست . ضبط صوتی که در گوشه اتاق روشن است ، نواز ضبط شده از آدیورا تکرار می کند : " هم میهنان ، دلاور خلق ، فرزندان بهمان ایران ، رفیق کبیر - انوشیروان لطفی به دست دژخیمان در رژیم جنا پیکار جمهوری اسلامی به شهادت رسید " . جمعی که گسرد آمده ، سرودی می خواند ، همان سرودی را که به هنگام موداع ، با رانش در اوین خواندند . در خانه دیگر جانی نیست . از بیرو جوان می آیند ، لحظه ای در مقابل تصویرش می ایستند تا نگاهش حرف می زند و با سکوت و احترام می گذرند . دسته های گل اطباقی را بوشانده است .

چشمگوش های رژیم در طرف خانه بر سینه می زنند ، از کینه دندان بر دندان می آیند ، اما مثل ابلهان فقط دهان گشوده و خیره مانده اند . مردم می آید و سرودی روئوده آنها همچنان به دندان خاشین و پیرسوزدن ادامه می دهند .

از درون خانه ، نام شهیدان خلق یک به یک بر می آید و جمعی در آن جا است به احترام مشان درودی می فرستد . عده ای از کارگران پلکارا ردی با خود آورده اند که جنین به برچم ایران با ستاره سرخی در میان آن است . عکس انوش در کنار برچم روی پارچه سفید شده است ، با دیدن برچم سرنگ ، چشمها پیر از آنک می شود . برچم سفیدی را گسرو می از جوانها می آورند که روی آن به خط سرخ نوشته اند : " سرود روز به روز ، انوشیروان . اعلامیه های فدائیان خلق که با مردم ایران و همزمان انوش سخن گفته ، در شهر بخش می شوند .

خانواده های که از ملاقات فرزندانشان در گهر دشت و قزلحصار آمده اند ، خبر می آورند که این روزها بچه های اسیران هر کدا ما به شاخه کل به شانه سه نفر تنه بیه ملاتقا زندان آمده اند . به بستگان گفته اند که بروید به ما در انوش بگویید ما بیجانی را که با او ایستادیم به یاد داریم ، ما نامیم ، مقاومت می کنیم و از سر بیما نمی گذریم . همسرش بیجا مدهد ، سرود دست ما در را ببوسید ، دلدارش دهید و بگویید که همه ما فرزندان او هستیم ، راه قهرمان ما ادامه دارد .

گلستان خاوران بیابانزاری است که در نگاه اول تنها بوته های خشکش را می بینی و جا به جا سنگهای که نشان از انسانی نهای خفاک خفته می دهد . نوزده دکه در بوته خاوران می پیچید ، ناله نیست . گوش دل که بسیاری ، نجوا است . ترانه است ، سرود است . گلستان خاوران را به چشم آن که سنگری گنج خاندای است . خاوران نه فردا که امروز محراب شده است ، زیرا که خلیق می دانند مروا ریدها یثان را در این دشت ، در خاک کرده اند .

هفتمین روز شهادت انوش ، خاوران میا دگا هزاران عاشق است که نوای ترانه ها یثان در سراسر دشت طنین می افکند . مادران فدایی ، توده ای ، مجاهد و دیگر مبارزین خلق ، برای ادای احترام به قهرمانان ، امروز این جا جمع شده اند . مادران با دسته های گل ایستاده بر خاک انوش وسوس ، به خون خفته گان دیگرگان می روند . تنها لحظه ای به خود اجازه می دهند که سیلاب اشک را جاری کنند . اما دمی دیگر سرک از صورت می سترند ، سرا آفرشته می گیرند و خون به دل می ریزند . آنها که این جا خفته اند چنین می خوانند ، نگذارید که دشمن ، شاد شود .

بالای یک سنگ ، ما دری مغرور ایستاده است . با دگوشه های روسری اش را مثل پرچی تکان می دهد . با نگاه و فرشت در چشمها می نگرد . چشمهایش قلب انسان را به دردمی آورد . سخن آغاز می کند ، اما بر زبانش به تنهایی حرفهای ای که صدای همه فرزندان است که این جا ، زیر خوارها خاک ، خفته اند جاری می شود : عزیزانم ، فرزندان ما همه به دست یک جلاور در راه یک آرمای کشته شده اند . نگذارید هیچ شگافی در میانمان باشد . بیاید در کنار هم و متحد با دشمن مردم جنگیم . بیما جگر گوشه های ما در لحظه های تیرباران اتحاد بود و یکا نفسی .

دست ها در هم گره می خورد ، قلب ها با هم یکی است . با زهم صدای مدها نفرکه نگار از یک گلسو بیرون می آید . این جا که این سرود خوانندگان ایستاده اند ، کنار انوشیروان لطفی و چند تنم آن سوتر حاجت محمد پیورو در کنارش ایوا الفضل پورحبیب و کمی دوتر سعید سلطا نیورا است . سرود اتحاد ، دشت خاوران را در می نوردد . نسیم بیساری سرودشان را بر با مفلات پهنانورمان می گسرد . □



خیمینی ۸ سال جنگید ، ۸ سال جنگ راستود ، ۸ سال هرج و مرج و ظهور و سقوط سرست از این "تعصبات آسمانی" در خون مردم ایران و وضو گرفت و به نیا پیش غریب جنگ ایستاد ، تا آنجا که می‌توانست ، تا آنجا که توان داشت ، و تا آنجا که مجبور شد "چازم‌نشر" را سرکشده و تئوسین برضا بیاورد ، دیگر از نفس افتاده بود ، نه اینکه نمی‌خواست بجنگد ، دیگر نمی‌توانست ، در این ۸ سال ، فرصت‌های بزرگی برای صلح شرافتمندانه از دست رفت . در این ۸ سال ، هر روز مردم قربانی جنون جنگ و کشتار شدند . این ۸ سال فراموش‌شدنی نیست و نباید فراموش شود . هر سال و هر ماه و هر روزش گواهی است بر محکومیت رژیم جنایتکار و ضد بشری که خلقی را قربانی اهداف پلید و هیستریک خود ساخت ، و خیمینی ، جنایتکار و رهبر جنگی ، به خاک و خون راهی ما شد ، با بدیه مردم پاسخ دهد .

۳۱ شهریور ۵۹ ، پس از ماه‌ها تشنج ، تحریک و درگیری مرزی دو جانبه ، ارتش عراق تعرض گسترده خود به کشور ما را آغاز کرد و با استناد به زیمپریستی و ناآمانی رژیم خیمینی و نیروهای مسلح آن ، به سرعت بخشهای وسیعی از خوزستان و کرمانشاهان را اشغال کرد ، هدف ، پیروزی برق آسا و تکنیکال "خوزستان آزاد" بود . اما این توطئه هرگز نتوانست تحقق نیافت .

درست یک سال بعد ، شرایط جبهه‌ها عوض شد . ۵ مهر ۶۰ با عملیات "ثامن الائمه" محاصره آبادان در هم شکست . عملیات "مطلع الفجر" در آذر ماه ۶۰ و "مولای متقیان" در اسفند همان سال ارتش عراق را با شکستهای سنگینی مواجه ساخت . عید سال ۶۱ در جریان حمله "فتیما لمبین" منطقه غرب شوش و دزفول آزاد شد . ۱۵ اردیبهشت ۶۱ ، در عملیات سنگین "بیت المقدس" خرمشهر را تصرف و نیروهای اشغالگر عراقی خارج شد و آزاد گردید . با آزادی خرمشهر ، بهترین شرایط و مساعده‌ترین امکانات برای برقراری صلح فراهم شد . یک ماه پس از شکست در خرمشهر ، شورای فرماندهی عراق پیشنهاد آتش بس داد . اما رژیم خیمینی سر مست از پیاده پیروزی ، چم به بصره و بغداد دوخته بود . پس از شکست محاصره آبادان ، رژیم خیمینی به تدریج تمام ایلات تجا و زگرانه خود را اشغال کرد . در ۱۳ دی ماه ۶۰ ، رفسنجانی اعلام کرد : "اگر ضرورت اجاب کند ، وارد خاک عراق خواهیم شد" .

با هدف فتح بغداد ، خیمینی و رژیمش همه تلاش‌های صلح طلبانه را عقیم گذاشتند . ۱۸ خرداد ۶۱ در آستانه حلس شورای امنیت رفسنجانی اعلام کرد : "آنها مختار اند که هر کاری می‌خواهند بکنند ، بگذارد شورای امنیت آبروی خود را نبیورد" . به دنبال تصویب قطعنامه شورای امنیت موراد آتش بس نیز ، موسوی نخست وزیر در ۲۳ خرداد ۶۱ گفت : "اگر شورای امنیت ۱۵ قطعنامه دیگر هم صادر کند ، حقوق حقه خود دست نبردم" .

۱۰ روز بعد ، رژیم تجا هم خونین تازه ای به نام رضای را آغاز کرد ، هدف این تجا چمن خود به خاک عراق بود و به طرز آن هزاران نفر دیگر به خون کشیده شدند ، خیمینی جنایتکار ، دوا به او ابر باد هم جنگ ، قصاص پای می‌فرشد ، پس از عملیات "والفجر ۳۰۳" که به آغاز سازی مهران منجر شد ، در دوم شهریور ماه او کف بر لب فریاد آورد ، "ما می‌خواهیم همه حکم اسلام را از او انتقام بگیریم . ما می‌خواهیم قصاص کنیم . . . یک همچون موجودی دیگر گریه بدارد دنیا باقی بماند" .

هشت روز بعد ، کفتر پیرجماران حضور در جبهه‌ها را "واجب شرعی" اعلام کرد و ضرورتی به مناسبت سالگرد جنگ ، با عطشی آکنده از جنون جنایت ، اعلام داشت : "شما اگر کشیدید آنها را به بیعت می‌روید و اگر نپسندید شما را بکشند ، شما به بیعت می‌روید" . خیمینی تا کید کرد : "حتی اگر کار به جایی برسد که همه به شهادت برسند ، یک گام به عقب بر نخواهیم داشت" .

جوانان وحشی کودکان ، گروه گروه به کشتارگاه‌ها گسیل شدند . ۹ مرد ۶۱ وزیر آموزش و پرورش اعلام کرد : ۵۳ تا ۵۷ درصد دانش آموزان در جبهه‌ها هستند ، بنا به آمار منتشره از صلیب سرخ در ۲۴ تیرماه ۶۲ ، از ۷۲۰۰۰ اسیر ایرانی ، ۵۰۰۰۰ نفر آزادگمتر از ۱۵ سال داشته اند و ۵۰۰۰۰ نفر زیر ۱۵ سال بوده اند .

در فاصله این ، و آذین رژیم تجا ، تا تازه ای به نام "مسلمین عقیل" ، محرم و "الفجر ۴" دست زد . در تجا هم خونین و "الفجر ۴" هزاران تن کشته شدند . خبرگزاریهای غربی تلفات ایران را ۳۰ هزار نفر اعلام کردند ، هدف این عملیات ، نه "دفع تجاوز" که تجا و زینت خاک عراق بود ، هر چه ما ، با کشتار بزرگ ترونتا یج ناچیز تر مواجه می‌شد ، جنسک در جبهه‌ها به بن بست رسیده بود ، رژیم می‌خواست با تبلیغات پیرامون پیروزی قریب الوقوع ، واقعیت دست بن بست جنگ را از چشم مردم پوشیده دارد و آنها را به آدا معجزانه تشویق کند . دوم شهریور ۶۲ رفسنجانی گفت : "من به شدت این حرف‌ها را امپریالیست‌ها را که می‌گویند راه حل نظامی برای جنگ وجود ندارد ، در تگذاری می‌کنم و مدعی هستم که راه حل نظامی وجود دارد" . او قیقا نه اعلام داشت "این ما هستیم کسسه

برای آنکه فراموش نشود

مروری بر فاجعه ۸ ساله جنگ

در مورد آینده عراق تصمیم می‌گیریم .

در پایان سال لویس از یک دوره طولانی بسیج نیرو ، رژیم تجا با بزرگ و خونین و "الفجر ۵" و ۶ را که به گفته موسوی اردبیلی می‌بایست کار جنگ را یک سر کند ، آغاز کرد . این تجا حیات با کشتار بی سابقه نیروهای ایرانی همراه بود و تنها به سه فتح جزایر محصور آنجا محدود . ۱۰ اسفند ۶۲ خیمینی جنایتکار ، عرصه هجویا نه با یک برداشت که "صدام رفتنی است و نه آمریکا می‌تواند نگاهش را در دو نوبه دیگران" ، او چند روز بعد را در هرگونه حرکت در جهت صلح گفت : "اگر نتوانیم به پیشنها صلح را قبول کنیم و بشنیم پشت میزی که صدام میک طرفش نشسته ، آقای رئیس جمهور ما هم یک طرفش نشسته ، دنیا به ما چه می‌گوید ، این با عزت اسلام نمی‌آید" .

سال ۶۲ به پایان رسید و صدام "ترفت" . جنگ به سال نهم کشیده شد . سران رژیم در پی ماهای شوروی خود کوشیدند در نخسته جنگ را با میدانی که سال ۶۲ سال پیروزی نهائی است سرگرم کنند ، کمیته مرکزی سازمان در پی ماهای شوروی خود من انشای دروغ‌های رژیم را هم بر ما ، حجاب با زمان نهائی مترقی خواست مبارزه برای صلح را گسترش دهند . از خرداد ماه ، فشار به مشمولین تشدید شد . رژیم می‌خواست فرار از سرپا زنی ، یکی از بزرگترین مظالم مخالفان مردم جنگ را ، که هر روز گزشتن تر می‌شد ، با سرکوب و فشارها رکنند ، در این مساله قانون خدمت وظیفه عمومی به اجرا در آمد و در پی ماه نیتزلی دوره سرپا زنی درسیا برای بسیجی‌ها اجباری شد .

در پی ماه ۶۳ به دنبال بمباران و حمله به شهرها و حمله به نقاط بسکونی ، با میا نخی گری سازمان ملل متحد ، دور رژیم تعدیکر دند که از حمله به نقاط بسکونی خودداری کند ، ندا شد ، خلق ملی اعلامیه ای به تاریخ ۲۴ خرداد ۶۳ از این توافق استقبال کرده و خواهان تبدیل آن به آتش بس کامل و صلح میان دو کشور شد . خیمینی در پاسخ به سخاوت صلح گفت : "عزت و شرف ما در گرو این جنگ است" . به دنبال اورسنجانی نیز تا کید کرد : "جنگ هستی ما است" . وی در دوم شهریور ماه را در یک جنگ طلبی رژیم انگشت نهاده اعلام داشت : "جنگ فقط موقعی با این بسیدای کند که صدام و حزب بعثت از عراق کنده شده باشند و مردم عراق آزاد شده باشند" .

با نزدیک شدن پایان سال با دیدگاه آتش جنگ شعله کشید . ۱۳ اسفند ۶۳ جنگ خونین شهرها بسا نفی قرارداد ۱۲ ژوئن ۸۴ آغاز شد و پیش از یک ماه یعنی تا ۱۷ فروردین سال بعد طول کشید . هزاران تن از مردم غیر نظامی می‌فریانی سابقه مرگبار خیمینی و صدام شدند ، تنها در ایران ۵۵۰۰ نفر کشته و ۲۵ هزار نفر مجروح شدند . ۲۱ اسفند ، سپاهیان خیمینی عملیات "بدر" را در محبوره و هوزی آغاز کردند ، رژیم با تبلیغات کرکننده ، خبر "از پیروزی نهائی" داد . گفتند : "اکنون در آستانه فرارسیدن همان موقع مقتضی قرارداد یکمیکه یا بد کار صدام میکسره شود" . روزنامه‌ها تیتیزرند : "بغداد در انتظار رضیه نهائی" . اما عملیات بدر با کشتار وحشتناکی همراه شد . ۱۵ هزار جوان ایرانی قتل عام شدند ، رژیم در تجا هم خونین خود شکست خورد و بن بست جنگ آشکارتر گردید .

ایران غرق در آتش و خون وارد سال ۶۴ شد . شکست بردگان سنگین بود که خیمینی مجبور شد در پی ماهان روزی خود بگوید : "مهم نیست شکست بخوریم مهم این است که وظیفه خود را انجام دهیم" . او کوشید به بیانه جنگ ، گرانی و فقر را توجیه کند : "ملتی که برای شهادت می‌رود از این که فلان چیز کم است نمی‌تواند . . . ملتی این طور دیگر به دنبال آسایش نیست که گوشه نشینی از آن است با گران" . زحمتکشان کوی ۱۳ آبان تهران با تظاهرات گسترده خود در ۲۱ فروردین به جنگ طلبی و سخنان ارتجاعی خیمینی پاسخ دادند .

در آغاز جنگ شهرها ، دبیرکل سازمان ملل برای جستجوی راه قطع جنگ تهران و بغداد دستبر کرد ، با سخ رژیم همان بود که انتظار می‌رفت : "جنگ تا پیروزی" . در مراسم ۱۲ فروردین تا کید شد : "جنگ تا سرنگونی صدام ادامه خواهد داشت" . خیمینی ۱۵ فروردین سخنرانی کرد و گفت : "جنگ اساسی ایدئولوژی جمهوری اسلامی است" . با رشد نا رضایتی مردم و به ویژه تظاهرات زحمتکشان کوی ۱۳ آبان سران رژیم به میدتریب مردم ، تبلیغات کرکننده خود را در مورد "پیروزی نهائی" تشدید کردند . خیمینی : "ما تا به آخر پیوسته می‌کینیم" . رفسنجانی : "ضربه قاطع زده می‌شود" . صیاد شیرازی : "سروش جنگ به زودی مشخص می‌شود" . خیمینی : مردم بر قدر ارتجک هستند . سازمان ما با شما همگام است" . دروغوئیهای رژیم را افشا کرد و اعلام داشت : پیروزی نهائی سراب است . وجه راه حل نظامی

نذارند . ۱۶ اردیبهشت ، مردم آواز دست بس

نظا هرات زدند .
۵ خرداد پس از دیدن تظاهرات عراق در مورد آتش بس در ماه رمضان ، جنگ شهرها از سر گرفته شد و ۲۵ روز آدا مه یافت ، موسوی نخست وزیر ، فاشیست ما با نه اعلام کرد ، جمهوری اسلامی آماندگی دارد . دوم جمعیت عراق را مورد حمله موشکی قرار دهند . ۲۱ خرداد در حالیکه تهران غرق در آتش و خون بود ، بصره با روزی ۲۵۰ گلوله توپ ویران می‌شد ، نخست وزیر خیمینی اعلام داشت : اگر جنگ بیست سال هم طول بکشد ، جمهوری اسلامی آن را آدامه خواهد داد .

در آستانه جنگ نفت کش‌ها و حملات عراق به خارک شدت گرفت . جمهوری اسلامی به چندین عملیات با نا ماهای ظفر و قفس دست زد که همه نا فرجا موتا کام ماند .

با نیتز به دنبال فرمان خیمینی برای آدامه بسج ، بگرو بینه جوانان برای سازماندهی کاروانهای کربلا شدت گرفت ، رژیم به دنباله جمع آوری نیرو برای حملات بزرگ تا زه بود . ۲۳ سپهر بخشنا مه نخست وزیر اعلام کرد که جای ۲٪ سابق باید ۱۰٪ کارکنان واحدهای تولیدی به جبهه‌ها اعزام شوند ، او اسط دی ماه از اندامری کلیت نیروهای انتظامی را موظف به شنا سازی و دستگیری مشمولین غایب ساخت . در آستانه عملیات خونین "والفجر ۴" ، تبلیغات جنگ طلبانه شدت گرفت .

۲۰ خیمینی تاجم "والفجر ۴" آغاز شد . سپاهیان خیمینی قنا و ارتش کرده و به سوی بصره به حرکت درآمدند . ۵ اسفند تجا "والفجر ۹" در منطقه سلیمانیه آغاز کرد ، دشت‌های جنوب عراق در خون شد . ۱۰ اسفند رفسنجانی با لذتی سادستی از کشتار جوانان عراقی سخن گفت : "آنها همگی زدم درومی شوند" . او تا کید کرد که "جبهه‌ها نباید آرام بگیرند" . جمهوری اسلامی درخواست سازمان ملل برای صلح رد کرد . کمیته مرکزی سازمان مساعده و اطلاعیه ای حمله جنایتکارانه به قنا و محکم کرد و در آواز فریادهای ناشی از پیروزی اعلام کرد : "این تجا جسمایان خیمینی نیز هیچ نتیجه ای جز خون ریزی بیشتر و کشتار بیشتر برای خیمینی و آخوندها ای حاکم نخواهد داشت" . فابا به قیمت قتل عام ۵۰ هزار جوان ایرانی و ۱۵ هزار سرباز عراقی به تصرف خیمینی درآمد .

در آغاز سال ۶۵ ، خیمینی فرمان آدامه و تشدید جنگ را صادر کرد ، او گفت : "ما تا این حزب علفی دسه جنگ خواهیم کرد" ، وی به همه جوانان دستور داد به جبهه بروند ، به دنبال فرمان بسج خیمینی ، موسوی اعلام کرد : سال ۶۵ همه چیز در خدمت جنگ خواهد بود . تلالس جنون آمیز برای بسج نیرو آغاز شد . دانشگامان نیمه تعطیل شدند ، اعزام دانشجوایان و دانش آموزان اجباری شد . وزیر آموزش و پرورش آموزش نظامی را برای یک میلیون دانش آموز اجباری کرد ، روز ۱۸ خرداد و آبراز ما دگی کرد که ۵۰ هزار دانش آموز را مورزا به قتلگه می‌فرستاد . ۵ اردیبهشت ، نخست وزیر آموزش نظامی را برای کارکنان دولت اجباری کرد "نهمیه" رفسنجانی اعلام به جبهه از ۱۰٪ به ۲۰٪ رسانید . رفسنجانی فرمان جلب مشمولین فراری را داد . ۱۱ خرداد ، ۲۰ به خدمت بسج ای افزوده شد . برآی بی فرمانده سپاه نقشه رژیم برای اعزام یک میلیون نفر به جبهه را فاش کرد . در نما جمعه ۴ خرداد ، خاندانه ای اعلام کرد : بسج نیرو برای بگسر کردن جنگ است . ۲۹ خرداد شورای عالی سیاسی دولت لزوم اردکسردن "ضربه نهائی" را اعلام نمود . ۱۱ تیر عملیات "کربلا ۱" آغاز شد . جمهوری اسلامی شهرمهران را مجددا تصرف کرد . در این حمله ۱۰ هزار ایرانی و ۸ هزار عراقی کشته و مجروح شدند ، اما کار جنگ بگسر نشد . چند روز بعد عده‌ها دوباره آغاز شدند . رفیق دوست اعلام کرد : "تجا جموع به زودی آغاز می‌شود" . دهمویا زدهم شهریور عملیات "کربلاهای ۳ و ۴" در منطقه حاجی عمران با برجای گذاردن هزاران کشته‌ی نتیجه ما تد .

در کنار بسج جنون آمیز ، کارزار جبهه‌های برای جلوگیری از گسترش بزرگ تشدید شد . در شهریور ۶۵ هشتمین اطلس سران غیر متعهد را درمیان جوانان قطع جنگ شد . ۳۱ شهریور زدهم کنگره جهانی سندیکا ها از سوی میلیون‌ها کارگر جهان ، رژیم را به صلح دعوت کرد . او اسط مهر شورای امنیت یک بار دیگر طرفین را به قطع فوری جنگ فراخواند . کمیته مرکزی سازمان ملی اعلامیه ای در مهرماه مردم را خطاب قرار داد : "زقتل عام جدید جلوگیری کنیم" . سازمان نامه ای به دبیرکل سازمان ملل متحد فرستاد و نسبت به خطر یک کشتار بزرگ هشدار داد .

رژیم بی اعتنا به فراخوان‌های صلح ، به بسج آدامه داد . در نیمه آدامه سپاهیان ۱۰۰ هزار نفری محمد به جبهه‌ها اعزام شدند . ۴ دی ۱۳۶۵ ، پس از یک تدارک ۹ ماهه ، تجا هم خونین "کربلا ۴" و سپس در ۱۹ دی عملیات "کربلا ۵" آغاز شد . هدف فتح بصره بود . ۲۶ دی ماه رفسنجانی گفت : "در این جا سرنوشت نهایی جنگ تعیین می‌شود" ، نبردهای

زهری که خمینی بکام مردم ریخت

دراوج موشک باران جنایتکارانه تهرآن، بیرکفتارچما ران زوزنه کشید: "مردم به این موشکها می خندند". پاسخ دیکتاتورچما ران را با یک آرزبان خود مردم شنید، با سخی که نشا نگردریسای عمیقی است که همین خمینی و مردم وجود دارد. آنچه که در زیر می خوانید نمونه ای است از دهها نامه ای که در جریان بمباران وحشیانه شهرها برای نشریه کارفرستاده شد، و این نامه ها خود تنها قطره های است از دریای رنج و اندوهی که مردم ایران را طی هشت سال جنگ جنایتکارانه در خود غرق کرد. سطر سطر این نامه ها سند محکومیت خمینی است. نشا نگر در درونجی است که این جنایتکار جنگی برای مردم میهن ما به همراه آورد. در درونجی که هرگز فراموش نخواهد شد، در درونجی که مردم برخمینی و رژیم خونخوارش نخواهند بخشید.

ارومیه * بهمین ماه ۶۵: "همه چیز طی دوروز متوالی اتفاق افتاد، شنبه دوشنبه. و هر دوسر یک ساعت معین. صبح ساعت ده و بیست دقیقه. روز اول بمباران نش کرد. چنانچه در هوا بمبارا بودنته، معلوم شد. ولی آنها را همه دیده بودند. در شمال و جنوب، دریا شین و بالای شهر. هر جا جمعیت بود آنها نیز بودند... و عقربت مرگ بود در حیوانات هوا پیمها ها بزفا ها شهر. بمب ها با به هر جا خورد ویران کرد. بیکر دو کودک خردسال چنان متلاشی شده بود که پدرشان یک سر به دست گرفته بود و قطع است بدن آنها را از میان سایرین جمع آوری می کرد. در دبیرستان دخترانه (شاهدخت سابق) در انتهای کوچه منوچهری. هنگامی که دانش آموزان در کلاس مشغول درس بودند، مورد اصابت بمباران قرار گرفتند. دانش آموزان در طبقه که بمب به آنها اصابت کرده بود، یک جا کشته شدند. هوا پیمها ها علاوه بر بمباران، هجرو حین را از فاطمه نزدیک به رگبار گلوله بستند. شا ی فقط روزه خوان و نساغ رضوان (قبرستان شهر) بدانکه برجه تعبیداد دانش آموزان این مدرسه نمازگزاران است... بار دوم، یک روز پس از بمباران اول، بمب افکن ها یک بار دیگر آمدند. دوشنبه صبح. وهمان ساعت قبلی. می دانستند که شهری دفاع است. آمدند با شین و از میان ترو در یک چشم بر هم زدنی جوی خون بر کف زمین جاری شد و بیون مردم سینه آسان را در دید، این با هم بمباران کردند و هم بر گبار مسلسل بستند. چنان آسوده خا طرسودند که انگار در درشتی هوا ریه درونشسته اند. مردم در مانده شده بودند. به کجا پناه ببرند؟ ما دری برای آنکه جان بچها را نجات دهد، او را روی کف زمین

خوابانده و خودرووی او را زکشیده بود. با آغا بست اولین ترکش های راکت، بیکر هر دو در خون غلتید، و چنین بود که کشته ها، بیشته شدند. می گویند چون نتوانستند آندهم کشته ها را خاک کنند، آنها را کتا دریا چنگه ها شده اند. هنوز هم رقی نیست که در آن روزهای سیاه و خونین چه تعداد کشته شدند. می گویند: هزار نفر. می گویند دوهزار نفر و... هر چه هست، چنان است که در شهرها بری به چشم خورد با زمانه ندگان از شهر خراج شده اند...

بهمین ۶۵. تبریز: "شهر مضطرب و نگران است. ترس و دلهره از بمباران شهر، آبی اما ن نمی دهد. چرا ترس نباشد، جایی که کودک شیر خوار بر آغوش مادرش در خون کوجه" در خون می غلطد و قبیل از اینکه درها نش به یستان ما درش برسد، "بمب" هر دو را جز غا لمی کند، جایی که. عده کثیری از اژاوها در بیمارستان کفا در اثر اصابت بمب به اطراف بیمارستان از شدت ترس سکنه می کشند و می میرند، جایی که ما شین مملو از زکا رکنان و وگا رگان شرکت ایدم. هنگامیکه زکا رکنان هدف بمباران قرار می گیرند و همه می جا کشته می شوند... جواد لهره نباشد برادر می. می دانی جنگ یعنی چه. هر لحظه، آری هر لحظه انتظار را در بیم صف خانه نشا فته و بیک بمب وارد اتا ق شود...

درودریا و کوجه و بیس کوجه های شهر و کویسک های تلفن پر از زقا رعلیه کردند چون چندین سال است که آنان با یک می کنند. آنها بر طبل جنگ می کوبند. مردم نیز پاسخ می دهند: ما صلح می خواهیم...

سنندج دی ماه ۶۵: "اولین حمله هوایی عراق به شهر سنندج در آخرین دور جنگ شهرها، در ساعت ۴ بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۸ دیماه صورت گرفت. مردم قمری کردند چون چندین سال است که با رژیم جنایتکار خمینی مستقیما درگیر میسارزه شدند و فرزندانشان در کوجه به سر می برند، به این دلیل عراقی ها از بمباران شروع در ای خوانند کرد. مردم اکثرا برای تما شای هوا پیمها های عراقی به پشت با ما رفتند. بودند. این با عراقی ها برخلاف ذهنیت مردم بنقا ط زیادی از مناطق با بین شینس را در هم کوبیدند. بعد از هزار انفجاری که با فاطمه کمی مورت می گرفت، خود عظیمی از دود و گرد و غبار همچون قارچ به هوا بر می خاست. عراقی ها دست بردار نبودند. بعد از مدتی که نقاط غیر نشین ویر جمعیت شهر را بمباران کردند، با خیال آسوده آسمان سنندج را ترک کردند... در خیابان اکتا شای که بمب به تب، بمباران آن در میدان با بین شهر اما لیک کرده بود، مزدوران رژیم نتوانستند بودند از هجوم مردم به محل بمباران جلوگیری کنند... مزدوران رژیم در این محل از ترس ختم مردم صلاح دیده بودند که محل را ترک کنند. در این محل از همه جا فریاد مرگ برخیزد... کسی

بر می خاست... تهران اسفندماه ۶۶. ازنا مه یک کودک هشت ساله: "من این نامه را با دلی خون و اندوه برای برادر عزیزم می نویسم. اینجا بمباران است. به تهران ۷ موشک زده است. ۴-۵ بمبار به در... وضعیت فرم شده است. دیگر امید برای زنده ماندن ما نمانده است. من دیگر با شما خدا حافظ می کنم و مخصوصا من خیلی می ترسم و امیدوارم که یک بمب بر سر من بیفتد و مرا بکشد و از این غوغا نجات پیدا کنم. امیدوارم که شما خوشخت زندگی کنید."

تهران اسفندماه ۶۶. ازنا مه یک کودک هشت ساله: "من این نامه را با دلی خون و اندوه برای برادر عزیزم می نویسم. اینجا بمباران است. به تهران ۷ موشک زده است. ۴-۵ بمبار به در... وضعیت فرم شده است. دیگر امید برای زنده ماندن ما نمانده است. من دیگر با شما خدا حافظ می کنم و مخصوصا من خیلی می ترسم و امیدوارم که یک بمب بر سر من بیفتد و مرا بکشد و از این غوغا نجات پیدا کنم. امیدوارم که شما خوشخت زندگی کنید."

تهران اسفندماه ۶۶. ازنا مه یک کودک هشت ساله: "من این نامه را با دلی خون و اندوه برای برادر عزیزم می نویسم. اینجا بمباران است. به تهران ۷ موشک زده است. ۴-۵ بمبار به در... وضعیت فرم شده است. دیگر امید برای زنده ماندن ما نمانده است. من دیگر با شما خدا حافظ می کنم و مخصوصا من خیلی می ترسم و امیدوارم که یک بمب بر سر من بیفتد و مرا بکشد و از این غوغا نجات پیدا کنم. امیدوارم که شما خوشخت زندگی کنید."

سنگین دریا چه مصنوعی "ماهی" را غرق در خون کرد. این بزرگترین کشتار بود. ۵۰۰۰ نفر قتل عام شدند. اجسادسرایان ایرانی بردشت با روئید. برای پر کردن جای سیاه قتل عام شده محمد، "سیا هیان مهدی" به جبهه ها اعزام شدند. اما خمینی شکست خورد و بصره فتح نشد.

هزمان با کشتار در جبهه، جنگ شهرها از ۱۹۹۱ وچ گرفت و تا ۳۰ بهمین ادا مه یافت. ۶۵ شهر ایران با ۲۶۴ بارمورد حمله رگرفتند. ۳۰۰۰ نفر از هم میهنانمان کشته و ۱۱ هزار نفر مجروح شدند. ۲۰ می مدرسه ای در تبریز بمباران شد و ۶۵ کودک خردسال قتل عام شدند. چند روز بعد، مدرسه دیگری در میان نهم بمباران گردید. ۹۰ دختر دانش آموز کشته و ۱۵۰ نفر معلول شدند. چهره ضانسانی جنگ به تمام نمایان شد. در اوج وحشیگریها پرفکتور چما ران از ازلانه من خود فریاد برآورد "شمل کنید بمباران ها را". رژیم پیشینا دانش شین فوری سازمان ملل متحد را یک بار دیگر در کرد. فدا شیان خلق در ۴ بهمین با صدرا اطلاع ای جنایات تکان دهنده رژیم را محکوم کردند و خطاب به مردم گفتند: "مخبر و یک بار چه با خیزد و با تشدید مبارزه علیه جنگ و علیه رژیم جنگ افروزا چا ندهد و کشتور بیش از این در غرقا با آتش و خون نابود شود". سال ۶۵ رژیم پنجم میلیون نفر را به جبهه ها کشاند. ۶۵ تا ۷۵ درصد دانش آموز بودند. هزاران شهساز تن شان دیگر هرگز به آغوش خانواده بازنگشتند. سال ۶۶ هم چون سالهای گذشته با شوم جنگ آغاز شد. در اولین نماز جمعه سال، ما شمی رفسنجانی و عده پیروزی بر عراق در سال نور ا داد. روزهای ۱۷ و ۲۱ فروردین تهاجمات تازه گریلاهای ۸ و ۹ در شرق بصره جبهه میانی با جایی گذاردن هزاران کشته دیگر شکست خورد. اما ۴ روز پس از عملیات بی نتیجه گریلا ۹، خمینی مجددا اعلام کرد: "جنگ ممکن نیست یا ن پذیرد."

از اوایل سال ۶۶، تشنج در خلیج فارس شدت گرفت. دو فروردین کویت اعلام کرد از اقدامات دولتها بزرگ برای تأمین امنیت کشتیرانی در خلیج فارس استقبال خواهد کرد. با فشاری خمینی بر

ادا مه جنگ، راه برای حضور ناوهای آمریکا بیسی در منطقه باز شد. ۲۷ اردیبهشت عراق یک ناو آمریکایی را به موشک بست و آمریکا فرصت را غنیمت شمرد و ناوهای بیشتری را به خلیج فارس گسیل نمود. ۲۷ تیر پرچم آمریکا بر فراز کشتی های کویت نصب شد. اواسط مرداد رژیم ما نورگسزده "شهادت" را در خلیج فارس آغاز کرد. نیروهای "مدافعین خلیج فارس" را سازماندهی نمود و این آبرو ه بین المللی کشتیرانی را مین گذاری کرد. متحدین نا تویی آمریکا نیز سز ناوهای خود را روانه خلیج فارس کردند. در شهریور ماه اعلام شد آمریکا ۱۰ هزار سرباز و ۴۱ تانک به منطقه اعزام نموده است. اوضاع خلیج فارس به شدت رویه خا مت نهاد. ۳۱ شهریور آمریکا به کشتی ایرانی "ایران جز" حمله کرد. دو هفته بعد سردر هلی کوپترهای آمریکا ش ۴ قایق ایرانی را غرق کردند و به فاطمه ۱۰ روز سکوی نفتی ایران را به آتش کشیدند. ۳۰ مهر ماه جمهوری اسلامی با یانه نفتی کویت را موشک مورد حمله قرار داد. جنگ نفتکش ها به اوج رسید.

در کتا ر تشدید تشنج در خلیج فارس، تلاشهای بین المللی برای قطع جنگ نیز شکست یافت. اواسط اردیبهشت سازمان ملل متحد قطعنامه سه دیگری در مورد جنگ به تصویب رساند. خمینی در پاسخ به ندای طلوع مردم با خشم گفت: "آتش که می کوبند با بد سازش کرد. یا می فهمند که اگر ما زنا کش کنیم، همه می شویم؟" ۲۲ خرداد دبیرکل اتحادیه عرب با دبیر کل سازمان ملل متحد برای قطع جنگ ملاقات کرد. در همان روزها نماینده ای اعلام کرد: "ما مویات شوری امنیت را به چیزی نخواهیم گرفت و قبول نخواهیم کرد". سران رژیم فریاد زدند: "تلاش برای صلح بیپوده است. ۲۸ خرداد رژیم برای اثبات جنگ طلبی خود، عملیات "فتح ۶" و به دنبال آن، "انصر ۴۰۳" را به راه انداخت. تنها نتیجه این حملات کشتار چند هزار جوان دیگر بود.

۲۹ تیر شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ۵۹۸ را به تصویب رساند که خواهان آتش شین فوری و عقب نشینی طرفین به پشت مرزها بود. خا منهای اعلام کرد، این قطعنامه "بخیزی نمی رزد" ولایتی گفت: "آن را نمی پذیریم."

درباره تبلیغات (۷)

اشکال پخش، شعارنویسی

درشماره گذشته سازماندهی و برخی اشکال پخش را مورد بررسی قرار دادیم. اینک در ادامه مطلب به اشکال پخش و شعارنویسی می‌پردازیم.

پخش مستمر

درپخش مستمر یا غیرضربتی، اوراق تک - تک درمحل های مناسب قرار گرفته و یا مستقیماً به دست مردم داده می شود. دراین شکل پخش، برای تیم مکان انتخاب وجود دارد و تیم می تواند به کمک واحد جزئی خود، از میان خانه ها و مغازه های یک کوچه یا خیابان یا از میان کارگران یک کارخانه، آنها را برگزیند که مخاطب اعلامیه اندو یا مستقیماً ذینفعند.

پخش غیرضربتی عموماً به وسیله تیم دوتفره ای صورت می گیرد که در آن یکی نقش مراقب را برعهده دارد و دیگری به صورت پیاپی ده، اوراق را از درودیوار به داخل خانه ها، مغازه ها و کارگاه ها می بریزد، دراطرافهای خوابگاه ها دانشجویی قرار می دهد، لای کتاب دانش آموزان می گذارد، دررختکن کارخانه یا بیمارستان درکمدهای انفرادی کارکنان می گذارد و ...

وقتی غیرضربتی درمحل صورت می گیرد، موتورودوچرخه های تندسردو مناسب ترین وسایل نقلیه اند. دراین حالت فردمراقب دراطراف وسیله نقلیه باقی می ماند و عمل مراقبت را از آنجا انجام می دهد و عامل پخش درپایان کار به اولمحل شده با هم ازمنطقه دور می شوند.

برای گروهی که به کارتوده ای مشغول است و نمی خواهد پلیس را متوجه حضور و فعالیت خودکند، پخش غیرضربتی درسطح مخاطبان انتخاب خودکند، مناسب ترین شیوه کار است. دراین حالت، تیم پخش اوراق را فقط به دست کسانی می رسد که از قبیل شناسائی شده اند و نسبت به عدم همکاری آنها بیگانه و بیگانه و بیگانه آنها به خواندن اعلامیه ها، مطمئن وجود دارد.

پخش غیر مستقیم

در اشکالی از پخش که تاکنون مورد بررسی قرار گرفت، گرچه امکان شناسائی عاملین پخش به وسیله دریافت کنندگان اوراق وجود ندارد، اما حلقه واسطی نیز میان این دو نیست. هرگاه بهین عامل پخش و دریافت کننده اوراق حلقه واسطی به این بیان شکل منظور شود، در آن صورت پخش را اصطلاحاً "غیر مستقیم" می نامند. پخش غیر مستقیم نیز می تواند "ضربتی" و یا "مستمر" باشد. با استفاده از مکانیسم های خودکار شبیه سازی، حرارتی، مکانیکی و الکتریکی می توان بین زمان گذشتن اوراق دریک محل و لحظه وارد شدن "ضربه پخش"، فاصله زمانی معین و کنترل شده ای ایجاد کرد و ضربت را به تیم پخش را افزایش داد. فرود کردن دسته ای اعلامیه در آگوزیک اتومبیل پارک شده، استفاده از بالون و بهره جویی از اتوبوس، کامیون و وانت بارهای دولتی و قطار، که درشماره گذشته بدان ها اشاره شد، از جمله نمونه های مشخص ایجاد فاصله زمانی فوق الذکر است. با اندکی ابتکار و اشتیاقی حداقل با فیزیکی، مکانیک و شیمی، و با دقت در انبوهی از امکانات که در زندگی روزمره با آنها مواجه می شویم، می توان ده ها و صدها مکانیسم "تأخیر در ضربه" ایجاد نمود و هر یک در خدمت پخش ضربتی غیر مستقیم به کار گرفت.

در پخش غیر مستقیم و مستمر عمده ترین حلقه واسط، شبکه پست دولتی است. از پست می توان جهت ارسال اوراق تبلیغی از خارج کشور به داخل، از شهری به شهر دیگر، پخش در شهر و نیز رساندن اوراق به جبهه ها استفاده کرد.

پخش پستی کار ساده ای است که هر فریبی به تنهایی می تواند انجام دهد. در پخش پستی اگر یک رشته ضوابط ساده رعایت شود، عامل پخش از ضوابط امنیتی بسیار بالاتری برخوردار می شود و این حسن اصلی پخش پستی است. عیب این شکل پخش آن است که حلقه واسطی پست، از امکانات دشمن است و پلیس سیاسی بر روی شبکه پست کشور و به ویژه پست خارج کنترل قابل ملاحظه ای دارد. در نتیجه، اولاد پخش اوراق به پست پلیس می افتد، ثانیاً - در پست کنندگان در خطرها با به وسیله پلیس قرار دارند. برای آنکه اوراق حتی المقدور کمتر به دست پلیس بیافتد، لازم است که:

- تا مه های حاوی اوراق از نظر قطع وزن و حجم، شبیه نامه های عادی باشد.
- اوراق تبلیغی از پشت پاکت قابل تشخیص و رویت نباشد.
- نامه ها از صندوق های مختلف پست شوند.
- پاکت ها از یک نوع و متا به نباشند.
- خط پشت پاکت ها متغایر باشد.

و برای آنکه ارسال اوراق به وسیله پست امنیت دریافت کنندگان را به مخاطره نیفتد، باید تا حد امکان از پست کردن اوراق به آن درس مستقیم کمانی که فعالیت پستی و گروهی دارند، پرهیز کرد. از پخش از مردم که کم و بیش سیاسی بوده اما فعالیت مشخص تشکیل دهنده اند، مناسب ترین افرادی هستند که باید تحت پوشش پستی واحدهای پخش قرار گیرند.

در شرایط مشخص کشور ما، استفاده از پست برای رساندن پیام سازمان به کسانی که جبهه های جنگ هستند، اهمیت جدی دارد. دستپاچی به پست عناصراً فعال ضد جنگ و آزادی اندیش ارتش، در میان پرسنل و وظیفه و به ویژه پرسنل کار کارآسانی است و به این آدرس های می توان و باید اعلامیه ها و تراکت های سازمان در اطراف یا جنگ را پست کرد.

گرچه پخش پستی مهم ترین شکل پخش غیر مستقیم است، اما خطا است اگر آن را تنها شکل ممکن به حساب آوریم، به طور کلی می توان از تمام شبکه های توزیع، اعم از دولتی یا خصوصی برای پخش اوراق استفاده کرد. می توان به امکان سازی تدریجی و برپا سازی مریزی شده از طریق قسمت پست بندی واحدهای تولیدی و بزرگ، اوراق راهبردها که لایه ها به خانه های مردم فرستاد. همچنین می توان از امکانات موسسات حمل و نقل را برای توزیع نشریات به خدمت گرفت و قس علیهذا.

برای تحقق اهداف پیش بینی شده در کار پخش، انتخاب شکل مناسب اهمیت زیادی دارد. خلاقیت و ابتکار عمل واحدهای حزبی و تیم های پخش در گزینش اشکال مناسب نقش مهمی بازی می کند. آن شکلی از همه مناسب تر است که با صرفه بیشتر و دشواری و خطر کمتر، اهداف تعیین شده را با حداکثر رساندن متحقق سازد.

انتخاب یک شکل ثابت و شناخته شده و ندیدن امکانات تازه که می تواند در خدمت کشف و کار پست اشکال مناسب تر قرار گیرد، واحد جزئی را به درجه زدن می کشد و به پلیس سیاسی امکان می دهد تا کار را ردگیری و احداً با سهولت دنبال کند.

پخش با بهره گیری از سازماندهی و اجرا شود که نه تنها هیچ برگسسی از اعلامیه به پست نرود، بلکه هر برگ اعلامیه به وسیله دهها نفر خوانده شود. تیم پخش نباید برای همیشه با پخش کامل اوراق را بردوش داشته باشد، بلکه باید در جریان کار و به یاری واحد جزئی خود، از میان کسانی که تحت پوشش غیر مستقیم و احداً قرار دارند، افراد مناسب را شناسائی کرده، بخشی از کار

پخش را با گذاشتن تعداد بیشتری از اوراق، بدانها واگذار و خود به مرور به یک واحد توزیع عمده اوراق تبدیل شود.

* * *

شعارنویسی

شعار، جمله ای عبارت کوتاهی است که فشرده مرکزی ترین ایده های ما را بیرون می آید. موضوع بیان می کند. از این رو مقدم بر موضع گیری های مشخص سازمان را باید با شعارهای بی شبهه مردم شناسائی کرد. شعارنویسی یکی از آن ها است. شعارنویسی را می توان در اشکال زیر انجام داد:

- نوشتن شعار در قطع کوچک و یا مازیک، عمل ساده ای است که به هیچ گونه کار و تداریکاتی نیاز ندارد. سلاح این کار تنها یک عهده مازیک است که به همسراه داشتن آن با ساده دلیل قابل توجه است. هوشیاری و موقع شناسی، در موقعیت کار و نقش جدی دارد و انتخاب محل مناسب عامل مهم دیگر است. در انتخاب محل باید به سه عامل توجه ویژه داشت: نخست امنیت نویسنده، دوم مدت زمانی که شعار در محل باقی می ماند سوم تعداد افرادی که درواحه ها می توانند شعار را ببینند. به عنوان مثال صندلی اتوبوس شهری، حکیمان عمومی و دستفروشی های عمومی از هر سه نظر مکان های با نسبت مناسبند. در این گونه اماکن نویسنده مکان مراقبت اطراف و توجه حضور خود را دارد. شعار روزها و گاه هفته ها می ماند و تعداد کسانی که در هر ساعت شعار را می بینند، نسبتاً زیاد است. در شرایط اختناق حاکم این شکل شعارنویسی کم خطر و عملی تر و ساده است.

مناسب از اشکال است. نصب برجسب، شکل دیگر شعارنویسی است. زیبایی برجسب سبب جلب توجه رده گران می شود و بر شعار را افزایش می دهد. اما برای تهیه برجسب، به امکاناتی نیاز است که در شرایط اختناق آن به سهولت میسر نیست. ضوابط کار نصب برجسب، مشابه ضوابط الماک اعلامیه است که در شمار گذشت به مورد بررسی قرار گرفت. به همراه داشتن دانشی برجسب و نصب هرگز از عصبی نادرست است و برجسب را باید در یک مدت زمان معین و با برپا سازی قلمی نصب نمود. برای آنکه نصب برجسب در تاریکی به درستی انجام گیرد، لازم است آن را در تاریکی نا متقارن نظیر ذوق و نیمه های پرهیزی قرار داد.

- شعارنویسی در قطع بزرگ و نیمه علنی امکان پذیر است. در شرایط عملی این گونه شعارنویسی که در گروه ها و کارگروه ها و کمیته ها و کمیته ها عمل است، کار برخط و کم صرفه به شمار می رود، به ویژه از این نظر که عمده این گونه شعارها نیز بسیار کوتاه است و عمل رژیم معمولاً به سرعت شعارهای بزرگ را پاک می کند. در عین حال این گونه شعارنویسی نظیر به خلعت نیرومند تهیه می آید، می تواند در شرایط ویژه و با هدف درهم شکستن یک جو روانی خاص مورد توجه قرار گیرد.

برای نوشتن یک شعار در قطع بزرگ، یک تیم چهار نفره از سایر ترکیب ها مناسب تر است. در این تیم، دو نفر به کار آماده کردن تا بلو (دیوار) درو، دو نفر نوشتن شعار می بردند و دو نفر دیگر وظیفه مراقبت از محل را برعهده می داشتند. شعارنویسی باید در شب انجام گیرد و محل باید به گونه ای انتخاب شود که به روش شدن هوا، در مدت زمان کوتاهی تعداد بیشتری بتوانند شعار را ببینند. محل شعارنویسی باید از قبیل شناسائی شود و اشکال است و در محل قفسه ها از آن دقیقاً مشخص شود. شعار باید در محلی نوشته شود که اطراف آن حتی المقدور خالی از شعارهای دیگر باشد تا توجه بیشتری را جلب نکند.

- نصب پلاکارد نیز همانند شعارنویسی در قطع بزرگ عمدتاً در شرایط فعالیت علنی و نتیجه علنی کاربرد دارد و ضوابط کار نیز مشابه مورد قبیل است. نصب پلاکارد به دلیل آنکه عمل نصب می تواند به سرعتی بیشتر از شعارنویسی صورت پذیرد، کاری کم خطر و عملی تر است و در شرایط مساوی، بر شعارنویسی ترجیح دارد.

در شرایط اختناق نصب ضربتی پلاکارد های کوتاه، از ضربتی بیشتری برخوردار است. این گونه پلاکارد های می توان در ابعاد تقریبی ۵۰x۱۰۰ تهیه نمود و با قرار دادن جوب در یک انتهای آن و بستن طناب و وزنه به انتهای دیگر، پلاکارد را برای پرتاب آماده کرد و سپس در محلی مناسب وزنه را به سمت یک سیم افقی نظیر سیم تلفن یا برق پرتاب نمود تا در نتیجه تعادل وزنه و پرتاب به سمت دیگر، پلاکارد در معرض رویت عابری قرار گیرد.

- شعارنویسی با شابلون. این شیوه شعارنویسی در روزهای انقلاب بهمین وسیله به کار گرفته شد و در اندمان بسیار خوبی نیز داشت. تهیه شابلون از ورق آهن نازک، حلبی، مقوا، تخته و شابلون به سهولت امکان پذیر است. برای این کار کافی است که ابتدا شعار مورد نظر بر روی مقوا، حلب، تخته و ... با خط زیبا خطاطی شود و سپس به وسیله آره آهن بر، قلم، آره موشی، کارتی و ... شابلون ساخته شود. برای شعارهای پایداری می توان جنس مقوا را از حلب یا تخته برگزید، اما برای تهیه شابلون یک با مصرف از مقوا هم می توان استفاده کرد.

ضوابط شعارنویسی با شابلون مشابه ضوابط الماک اعلامیه به وسیله تیم سه نفره است. برای نوشتن شابلون "رنگ اسیری" مناسب ترین وسیله است. اما در صورت نبود اسیری می توان از اسطبل رنگ و برس نرم استفاده کرد.

- دستکاری در شعارهای دشمن: با اندکی دقت و دستکاری می توان بسیاری از شعارهای دشمن را به شعارهای علیه او بدل ساخت. مثلاً شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" را که بر هر کوی و بر زنی نقش بسته است، می توان به شعار "جنگ جنگ تا نبودی..." تبدیل نمود و یا شعار "مرگ بر فداولایت فقیه" به سهولت به "مرگ بر ولایت فقیه" تبدیل می شود. این گونه ابتکار در آن واحد تبلیغی و هم فزاینده است. در عین حال هزینه، زحمت و خطر چندانی ندارد.

* * *

با بیان یافتن بحث شعارنویسی، سلسله مقالات "درباره تبلیغات" نیز با بیان می گیرد. این مجموعه که بر اساس جمع بندی شعبه مرکزی تبلیغات از تجارب تا امروز سازمان تهیه شده، در عین حال که می تواند راهنمای فعالیت تبلیغی فدائیان خلق و دیگر مبارزان را در برگیرد و به جهت و جانات خمینی قرار گیرد، نباید از آنجا که با تبار تا زهوا تا ترکشکلی کرده، ارسال گزارشات منظم از کم و کیف فعالیت های تبلیغی به وسیله واحدهای حزبی و هوادار - که قطعاً در نظر داشت ضوابط امنیتی صورت می گیرد - به ما امکان می دهد که این مجموعه را تکمیل و تدقیق نمائیم.

آشنایی با

کانون بین‌المللی دفاع از حقوق سندیکایی

در پی تشدید تعرض و فشار کارفرما بر سراسر جهان، دولت‌های سرمایه‌داری و به‌ویژه اخصارات فراملی نسبت به اتحادیه‌های کارگری و حقوق و آزادی‌های سندیکایی که در گران، جنبش بین‌المللی سندیکایی، مبارزت به ایجا دمورگزی تحت عنوان "کانون بین‌المللی دفاع از حقوق سندیکایی" نمود. این کانون بر اساس تقاضای با زدهمین کنگره جهانی سندیکایی و به ابتکار تعدادی از سازمان‌های بین‌المللی و غیرسندیکایی در نوامبر ۱۹۸۷ به وجود آمد مرکز آن در پراگ است. انگیزه شکل‌گیری این کانون در این شرایط و وظایف و اهداف آن، موضوعی است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. مبنای تشکیل این کانون، جنبش جهانی سندیکایی، ارگان فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری با نام ریوراموس، دبیر اجرایی این کانون است.

سؤال: امروز وضعیت حقوق سندیکایی در جهان چگونه است؟ شیوه‌های اصلی تخاصم و به حقوق کارگران کدام است؟

جواب: امروز حقوق و آزادی‌های سندیکایی در مناطق مختلف جهان به شکل مختلف مورد تخاصم قرار می‌گیرد. این تخاصمات، از وضعیت‌های نابسامان شیوه‌های نظیر آذربایجان، تا زده‌ها، با عدم برابری و فعالیت سندیکایی (در کشورهای که فعالیت سندیکایی در آنجا ممنوع و یا شدیداً تحت کنترل است) گرفته تا محیط‌های شایسته نظیر تعطیل کردن واحدهای اقتصادی که از فعالیت سندیکایی سطح بالاتری برخوردارند، اخراج کارگران (کسبه) مانند دروازه‌ها (تخاصمات، تخلیق نمایندگان کارگران از کار و غیره) اعمال می‌شود.

امروز در کشورهای سرمایه‌داری ما شاهد یک تخاصم بسیار آسوی کارفرمایان علیه حقوق کارگران هستیم که می‌توان آن را به صورت فشاری که بر شهروندان و نمایندگان سازمان‌های کارگری وارد می‌شود، محدود کردن حق اعتصاب و تخاصمات قرار دادهای دسته‌جمعی به ابزار تحمیل حاکمیت نیروهای سرمایه‌داری، نشان داد.

تعرضاتی که از آغاز دهه ۸۰ توسط آمریکا، تحت عنوان بسیج برای ایجاد "یک محیط آزاد سندیکایی" صورت گرفت و هدف آن، برکناری انحلال اتحادیه‌ها در واحدهای اقتصادی و برخاستن از فعالیت سندیکایی، پیشرفته، بلکه جلوگیری از تشکیل سازمان‌های جدید در واحدهای تکنولوژی پیشرفته نیز در برده‌ها و همچنین با هدف بازداشتن شکل‌های از دفاع از منافع کارگران بود. این تعرضات، متعاقباً توسط بسیاری از کشورهای اروپای غربی و ژاپن تقلید شد و اما به وقت، از طریق یک جنبش بسیج‌خیز سندیکایی، نیروهای وابسته به شرکت‌های بزرگ و دولت‌های که در جهت منافع آنها کار می‌کنند، اهداف مختلفی را دنبال می‌کنند: - از میان برداشتن مداخله‌گرانه‌های است برای آنها در جهت انقضاء دستاوردهای اجتماعی که طی دهه‌ها سال مبارزه طبقه کارگر به دست آمده است. - تحمیل اشکال جدیدی از تولید خصوصی از طریق تخلیق و بی‌ثباتی اشتغال، در جهت حل بحران با روری تولید و تضمین سود بیشتر برای سرمایه. - "شرکت‌داری" کارگران را در مدیریت کناره‌ها به شرط آن که به نفع کارفرمایان باشد، محروم کردن کارگران از هرگونه دخالت در یافتن راه‌حل‌های برای معضلات اصلی اقتصادی، اجتماعي، لذا با بدگفتی‌ها، این بسیج ضد سندیکایی، سیاست "انتقام اجتماعی" همراه است. سیاستی که در پایان دهه ۱۹۷۰ به ابتکار انحصارات شروع شد و هدفش لغو هرگونه بین‌دسته‌جمعی خواست‌های کارگران در واحدهای اقتصادی و نیز در سطح کسب‌جایه بود.

س: ممکن است مثال‌های مشخصی در بسیاری از شیوه‌های مختلف این "جها" ضد سندیکایی ذکر کنید؟

ج: تنها مشترک کارفرمایان و دولت علیه حقوق کارگران، اولین و مهم‌ترین هدف تحسود را متوجه اتحادیه‌های کارگر است که با ملامت تمام در مقابل سیاست‌هایی که در جهان سرمایه‌داری را و خیم‌تر می‌کند، ایستاده‌اند. مثلاً تخلیق هیأت‌های مجازات‌های ناروا، بستن راه‌های ارتقا حرفه‌ای و غیره، نمونه‌هایی است از اقدامات خورسارانه که به‌شروط کارفرمایان فرانسوی علیه اتحادیه‌ها به کار گرفته می‌شود. طبق اطلاعات تهیه شده توسط کنفدراسیون عمومی کار در فرانسه، طی چهار رسال اخیر بیش از ۴۰۰۰۰ نماینده منتخب سندیکایی به خاطر ایستادگی‌ها در دفاع از منافع کارگران، از کار معطل شده‌اند. در همین دوره، موارد "شکایست" کارفرمایان فرانسوی علیه اعضای اتحادیه‌ها در دادگاه‌ها، تقریباً برابر شده و در ۸۰ درصد موارد تعلق از کار توسط سازمان وزارت کار پذیرفته شده است.

در همان زمان تعرض علیه حق کارکنان

فرانسوی در زمینه اعتصاب و آزادی‌های سندیکایی افزایش یافته است. در این رابطه، کانسون بین‌المللی دفاع از حقوق سندیکایی در سندی که اخیراً انتشار داده، خاطرنشان ساخته است که تنها در عرض هفتاد و پنج سال از ژانویه ۱۹۸۷ تا پایان سپتامبر ۱۹۸۷ در فرانسه، ۱۸۴ تبعیض علیه حقوق سندیکایی کارگران بخش دولتی و ۴۴ مورد در بخش خصوصی صورت گرفته است.

در بریتانیا نیز، دولت محافظه کار رتا چمبر در مارس ۱۹۸۷، دفترچه‌سبزی را منسوخ کرده در آن به تفصیل برنام‌های کنترل فعالیت اتحادیه‌های بریتانیا با هدف زیرکشی شده بود؛ نقطه‌ی بیان گذاشتن برای اجرای اصل "در هر موسسه یک سندیکا" و حق مذاکره در مورد قرار دادهای دسته‌جمعی. به علاوه دولت بریتانیا، قوانینی را در جهت حمایت از اعتصاب شکنان و غیرقانونی کردن حق ایجاد "انستقامات اعتصاب" (بیکت)، توسط کارکنان اعتصابی و جلوگیری از ورود کارگران به موسسات در حال اعتصاب، به‌زور تصویب رساند.

در آلمان فدرال، علیرغم مخالفت اتحادیه‌ها، با نداشتن کارکنان آلمان فدرال در سال ۱۹۸۵، ۱۱۶ قانون کار را لغو کرد. در این ماه تصریح شده بود که کارگرانی که مجبور می‌شوند به خاطر اعتصاب در کارگاه، موسسه یا رشته‌صنعتی دیگری کار خود را متوقف کنند، از استثنای فدرال کارگری حق فنی اعتصاب دریافت می‌دارند.

محدود کردن حق اعتصاب و لغو مساده قانون کار به کارفرمایان آلمان غربی، امکان دیگری جهت اعمال فشار مضاعف به اتحادیه‌ها در دوران "جانب‌زنی‌های دسته‌جمعی" می‌دهد و به کارفرمایان اجازه می‌دهد که مداخلات اعتصاب به سهولت تمام به‌بستن درهای کارخانه‌های کارگران منسوخ شوند.

در آلمان فدرال همچنین با بدان "منوع‌عبثت شغلی" نام برده که بر طبق آن دادگاه‌ها می‌توانند کارکنان کلیه خدمات عمومی را که فعالیت‌شان "متضاد با روح قانون اساسی آلمان فدرال" تشخیص داده می‌شود، از کار برکنار کنند. که این در واقع، شامل هر کسی می‌شود که موافق خلق‌ساز است و بی‌احترامی از حقوق کارگران دفاع می‌کند. صدها عضو اتحادیه به خاطر آن که جز فعالیت‌های خود، قریباً نسی محرومیت از کار شده‌اند و هزاران نفر دیگر تحت مراقبت نیروهای امنیتی قرار دارند.

اما فراتر از این تخاصمات، کسب‌وکار آلمان فدرال، تنها کشورهای سرمایه‌داری هستند که در آنجا حملات جدیدی علیه آزادی‌های اتحادیه‌ها صورت می‌گیرد، در ایالات متحده، در کانادا، اسپانیا، ژاپن، کارفرمایان - با کمک دولت - سعی می‌کنند از استناد قانون اساسی (خصوصی کردن) بی‌ثباتی شغلی، تلاش می‌کنند تا اتحادیه‌ها را از موسسات اخراج کرده و مانع شوند تا کارگران به خواست‌های قانونی آنها، همچون دستمزدها، اشتغال و شرایط کار و غیره گوش فرادهند.

س: امروز موقعیت در کشورهای در حال توسعه از نظر رعایت حقوق سندیکایی، چگونه است؟

ج: بدون شک، در این کشورها است که بیشترین تخاصمات وحشیانه نسبت به حقوق اتحادیه‌ها صورت می‌گیرد. طبق مطالعات کانون بین‌المللی دفاع از حقوق سندیکایی، از ژانویه ۱۹۸۴ تا ژانویه ۱۹۸۷ در کشورهای در حال توسعه، بیش از ۳۰۰ عضو اتحادیه به قتل رسیده‌اند و در حال حاضر ۴۵۰۰۰ نفر در زندان یا به‌سر می‌روند. فقط به خاطر آن که از حقوق خود استفاده کرده‌اند، تنها در کلمبیا، بی‌مدتی که در سال ۱۹۸۷ مورد ترور کارگران به لرزه افتاد بود، بیش از ۲۰۰۰ نفر به قتل رسیدند که حدود ۶۰ نفر آنها از رهبران و فعالان اتحادیه‌ها بودند. همه آنها توسط قاتلان مزدور به قتل رسیدند. در "جوخه‌های مرگ" شوم، که توسط نیروهای نظامی و ارتجایی در این کشور، اجبر و حمایت می‌شدند. در آفریقا، بدون هیچ تردیدی، تا آنکه به تخاصمات آزادی‌های اتحادیه‌ها مربوط است، آفریقای جنوبی قافله‌سار است (جایی که در حال حاضر صدها فدایی اتحادیه‌ها در حالت توقیف معساده در کشور، تحت بازداشت به‌سر می‌روند).

در میان دیگر کشورهای که در آنها، حقوق سندیکایی زیر پا گذاشته می‌شود، کشورهایی هستند که در خاور نزدیک و آسیا قرار دارند: مثلاً، مناطقی عربی اشغال شده توسط اسرائیل، بحرین و اندونزی، و همچنین که در ماه‌های اخیر توسط نیروهای اشغالگر اسرائیلی برای سرکوب اعتصابات و تخاصمات عمومی کارگران فلسطینی در ساحل غربی و نوار غزه به کار گرفته شده، تفرشیدید را در سراسر جهان رنگینخت.

در ترکیه، دولت فیرنظامی از اول، مطابق قوانین موهبه توسط رژیم نظامی در سال ۱۹۸۳ همچنین به زیر پا گذاشتن حقوق اتحادیه‌ها ادامه می‌دهد. ۲۶۴ نفر از فعالین "دیسک" که به زندان‌های طویل‌المدت محکوم شده‌اند، از دادگاه استیناف جهت بررسی مجدد دعوی آنها، تقاضای استیناف نموده‌اند که این دادگاه برای مدت بیش از هفت سال همچنان ادامه دارد. امروز کارگران در اسپانیا

بین‌المللی در دست دارند تا توسط آن، خواستار رعایت آزادی‌های سندیکایی شوند و تخاصمات به حقوق آنها محکوم شود؟

ج: مقابله با تخاصمات سازمان بین‌المللی کار که در دست کار سازمان‌های و انبساط قرار دادهای دسته‌جمعی را مورد نظر قرار می‌دهد (موضوع در سال ۱۹۴۹)، حق کارگران در برخورداری از احزابیست کافی در مقابل اعمال تبعیض آمیز ضد سندیکایی در رابطه با اشتغال را به رسمیت می‌شناسد. در مقابل و نامشماره ۱۵۴ سازمان بین‌المللی کار و پیش‌برد قرار داد دسته‌جمعی تصریح شده است.

برای جنبش سندیکایی، حق اعتصاب به عنوان یک ابزار اصلی فشار برای کارگران، زمانی که کارفرما از بررسی خواست‌هایشان امتناع می‌کند، همچنان به‌عنوان خودبختی است. همچنین حق اعتصاب، شیوه موثری خواهد بود برای ایستادگی در برابر تخاصمات منافع اقتصادی و اجتماعی کارگران هم در موسسات اقتصادی و هم در سطح جامعه به‌طورکلی.

هنوع محدودیتی برای این حقوق، تخاصمات به آزادی‌های سندیکایی و در سطح وسیع‌تر، به این‌ها می‌تواند بین‌المللی و فوایدی ملی که حق مذاکره و اعتصاب را به رسمیت می‌شناسد. تا توجیه به‌شماره قرار دادهای دسته‌جمعی به حقوق سندیکایی در نقاط مختلف جهان، امروز تحرک بیشتری از کارگران دیده می‌شود که به‌منوع‌عبثت اشکال عمل روی آورده‌اند (تخاصمات، اعتصابات، طومار نویسی، اعتصاب غذا و غیره) تا توجیه مردم جهان را نسبت به تخاصمات به حقوق خود جلب کنند و خواستار آن شوند که مردم جهان، مانع حملات ضد سندیکایی کارفرمایان و دولت‌ها شوند.

س: آیا شما می‌توانید به اختصار جزئیات برنام‌های عمل کنونی و وظایف اصلی را که در پیش روی کارگران بین‌المللی دفاع از حقوق سندیکایی قرار گرفته‌اند شرح دهید؟

ج: در انطباق با اعلامیه مصوب ۶ نوامبر ۱۹۸۷ پراگ و هم‌راه دستورالعمل‌های داخلی آن، اهداف "کانون" به شرح زیر است: - دفاع از حقوق سندیکایی و فعالیت برای بسط آن‌ها. - تحقیق در باره گسترش تخاصمات به حقوق سندیکایی. - واکنش نسبت به همه تخاصمات به حقوق سندیکایی و به همه سرکوب‌های ضد سندیکایی از طریق همیاری قانونی با کارگران و اتحادیه‌های که قربانی این تخاصمات شده‌اند.

- تهیه اطلاعاتی سیستماتیک از همه تخاصمات که به آزادی‌های سندیکایی در سراسر جهان می‌شود. - پیشبرد همبستگی بین‌المللی بین اتحادیه‌ها با توجیه دفاع از حقوق سندیکایی و حمایت از کلیه فعالیت‌ها به منظور پشتیبانی و بسط آزادی‌های سندیکایی. - این‌ها راه‌های عمل فعالیت‌های کانسون می‌باشند، آن‌طور که توسط شورای اداری تعریف شده‌اند.

برنام‌ها را بر اساس چهار زمینه اصلی قرار گرفته است:

۱- تحقیق: ی‌درنگ در باره حقوق سندیکایی (در مناطقی که تخاصمات به حقوق بیشتر عیان است) و تجزیه و تحلیل وضعیت حقوقی در کشورهای و مناطقی مختلف جهان. کلیه این گزارشات و اسناد به‌زمان بین‌المللی کار، سازمان‌های دولتی و غیردولتی بین‌المللی، به‌سازمان‌های مختلف سندیکایی کشوری، و به‌همه‌آژانس‌های خبری بین‌المللی ارسال خواهد شد.

۲- تنظیم همیاری قانونی با قربانیان سرکوب ضد سندیکایی.

۳- تلاش برای انجام اقدامات مقتضی جهت پایان دادن به تخاصمات آشکار علیه حقوق سندیکایی، از طریق مقامات دولتی، سازمان بین‌المللی کار و دیگر سازمان‌ها.

۴- تنظیم سمینارهایی برای آموزش قانونی رهبران و فعالین سندیکایی که درگیر مشکلات قانونی هستند، به‌منظور آنکه آنها در وضعیت بهتری قرار بگیرند تا مطمئن شوند که ابزارهای بین‌المللی، خصوصاً مقابله با تخاصمات سازمان بین‌المللی کار، تضمین‌کننده حقوق سندیکایی کارگران، رعایت شده است. برای نتیجه‌گیری علاقمندان را به کنفرانس‌ها مناسبت چنین مسائلی را که در خصوص بین‌المللی حقوق بشر توسط مقابله با تخاصمات سازمان بین‌المللی کار، "کانون" سازمان‌های ابتکارات گوناگون را به‌منظور ارتقا‌کمی بین‌المللی، جنبش جهانی سندیکایی را در باره اهمیت این دو ابزار قانونی بین‌المللی برنام‌های می‌کند. کانون بین‌المللی دفاع از حقوق سندیکایی در اجرای فعالیت‌های طبق روحیه منشور سازمان، ملل، با کار روز به روز تلاش خواهد کرد در جهت رعایت کامل اسناد بین‌المللی که به حقوق و آزادی‌های سندیکایی برده‌اند خصوصاً مقابله با تخاصمات و تخاصمات به‌سازمان بین‌المللی کار فعالیت نمایند. □

از جهان سوسیالیسم، از احزاب برادر

پیرامون نوزدهمین کنفرانس سراسری ج.ا.ش
طراحی چهره نوین سوسیالیسم

روز هفتم تیر ماه، نوزدهمین کنفرانس سراسری حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی در مسکو برگزار گردید. کنفرانس با شرکت حدود ۵۰۰ نماینده از کلیه سازمان‌های حزبی تشکیل شده بود و چهار روز ادامه یافت. روندتدارک کنفرانس نوزدهم که با قراربندی موزون سال پیش آغاز شد، با تحلیل‌ها، آرا، نظرها، انتقادات و پیشنهادهای فعالین حزبی، صاحب‌نظران و کارکنان در مطبوعات شوروی پیش‌رفت و با انتشار رتبه‌های کمیته مرکزی، موضوعات در دستور کار کنفرانس به بحث و رفع عموم مردم اتحاد شوروی گذاشته شد. و در سندهای گروهی، حوزه‌های حزبی، گفتمان‌های کار، محافل اجتماعی به عرصه ملی گفتگوها تبدیل گردید. دفتر روزنامه پراودا به تنهایی بیش از ۷۵۰۰ نامته‌ها در ارتباط با نظرها و پیشنهادهای گوناگون دریافت کرد. در این رابطه علاوه بر سندهای هیئت و سخنرانی رسمی، در نقاط مختلف اتحاد جماهیر شوروی گرد هم آئی‌ها و مینتینگ‌هائی به استکار حزب و مردم شوروی به علل و عناوین گوناگون برگزار شده که مردم خواست‌های خود را از کنفرانس و نمایندگان آن در آن بیان می‌کردند.

تنها سالین کنفرانس و تریبون آن، محل اظهار و بحث نمایندگان نبود آنها به کمک انواع رسانه‌های گروهی و کنفرانس‌های مطبوعاتی جنب کنفرانس، نیز نظرات خود را ابراز می‌کردند. یکی از نمایندگان که کارگر فولاد بود، در رابطه با پیشنهاد کمیته مرکزی مبنی بر اینکه در باره هیچ نوع مسئله‌ای نباید با دورزن‌ها توافق می‌گردد، اظهار داشت: "من موافقم... من با هر دو دست رای می‌دهم. من دودوره‌ها را می‌پسندم. شهر مسکو بودم و حال برای با دووم نماینده شورای عالی جمهوری فدرال شوروی هستم. من می‌دانم چقدر مسائل مهم، خارج از شورا مورد تصمیم‌گیری واقع شده‌اند."

فقای کنفرانس به تصمیم مطبوعات شوروی و بین‌المللی از لحاظ آشکارا گوی و دو مکرر سی دره ۶ سال اخیر بی سابقه بوده است. نمایندگان به صراحت به انتقاد از رتبهات مورد نظر در گزارش کمیته مرکزی می‌پرداختند و فرمول‌های جا بگزین خود را به کنفرانس پیشنهاد می‌کردند، "الیا نوف"، رئیس هیئت مدیره اتحادیه هنرمندان تا تریبا پیشنهاد کمیته مرکزی در مورد اینکه دبیران کمیته‌های حزبی می‌توانند استعفا را برای دوره ۳ ساله سوم نیز به این بست انتخاب شوند، مخالفت کرد و خواستار آن شد که در انتخاب شدن برای دور دوم مشروط به کسب دو سوم آراء، انتم لزوما در برابر برقراری دیگر شود.

مضمون گزارش کمیته مرکزی که توسط میخائیل گاربا یوف دبیرکل حزب ابراه شد، بر اساس تزه‌های پیشنهادی این ارگان تنظیم شده بود، اما مرزهای آشکارا گوی‌ها و پیشنهادی‌ها گزارش بسیار اثرگذار و جدت‌ها قرار داد شد. گزارش کمیته مرکزی، اصلاح ساختار سیاسی کشور در میان مجموعه مسائل پیچیده موجود، مسأله‌ای کلیدی شمرده است:

"... سیستم‌های که در نتیجه پیروزی انقلاب اکتبر بنا شده بود، در مرحله معینی در چارنا هتجاری‌های جدی گردید... شیوه‌های فرماندهی اداری مدیریت که در آن سال‌ها شکل گرفتند، بر ششون مختلف رشد و تکامل جا مع مسا تا ثیرات مملکتی برجای نه‌اند، بسیاری از دشواری‌ها که هم‌اکنون بی‌سابقه آن روبرو هستیم، از این سیستم ریشه‌ای گیرند. تصمیمات کنکره سیستم حزب امکان‌ناهی برای غلبه بر تخلف از اصول لنینیستی زندگی حزب و دولت به دست می‌آید. لنین این امکان‌ناهی قایل از هر چیز، در اثر شکست دادن و دست‌گرفتن دمکراسی سوسیالیستی، مورد استفاده قرار نگرفت... البته حجم وظایف و عملکردهای دولت در سوسیالیسم نسبت به شرایط سرمایه‌داری بسیار گسترده‌تر است. اما مسأله مطبق اندیشه‌بنیان گزاران مارکسیسم-لنینیسم این گسترش وظایف اداری باید باشد از قبیل تشدید قدرت مکتبی بر مبنای اجبار و کسب پیش‌از همه از طریق فعال کردن عامل دمکراتیک و جذب توده‌های وسیع خلق به ادارات مسور، به دست آید."

گزارش براب آشکارا رکردن انحراف اصولی در این عرصه، با تأویمی شود که لنین دولت سوسیالیستی را نه دولتی در معنای خاص کلمه می‌داند، بلکه به حتی آن را یک "تیمه دولتی" می‌شمرد که به تدریج به خودگردانی اجتماعی بسدل می‌شود. اما پس از مرگ لنین در تئوری و پراکتیک برخوردی نسبت به دولت دست با لایبیدا کرد که تا قدامت مبنی بود بر مبنای "گام" یعنی قدیمی این مفهوم. در قطننا کنفرانس پیرامون دموکراتیزه کردن جامعه شوروی و اصلاح سیستم‌های، جدا کردن کارگران نهایی حزبی و دولتی را مطبق می‌نمایند. نقش حزب کمونیست، به مثابه پیشاهنگ سیاسی جامعه، و نقش دولت به مثابه سازمان وسیله قدرت خلق، تشبیه گردید و تعیین کننده صلاح سیستم‌های را تا مین قدرت کامل شورا‌های نمایندگان مردم به مثابه اساس دولت‌های سوسیالیستی و خودگردانی در کشور تعیین نمود.

بنا به تصمیم کنفرانس، از این پس "ارگان عالی حکومت کشور با بدنگره نمایندگان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با شکده ترکیب آن علاوه بر نمایندگان جغرافیائی و ملی - جغرافیائی حوزه‌های انتخابی، نمایندگان معرف حلقه‌های اساسی سیستم‌های حزب، اتحادیه‌های صنفی، سازمان جوانان و دیگر محافل اجتماعی توده‌ای همچنین سازمان‌های تعاونی، هنری، علمی که به شیوه دمکراتیک در کنکره‌ها و پیلون‌های ارگان‌های مرکزی شان انتخاب شده باشند، شرکت خواهند داشت. یکی از بخش‌های مهم و قابل توجه گزارش، "دمکراتیزه کردن مناسبات بین‌المللی" است که مضمون آن از مدت‌ها پیش در سطح جهانی و به ویژه در جنبش جهانی کارگری و سوسیالیستی، بحث‌ها را جدی راسرنگیخته است. این بخش با بررسی موقع و موضع اتحاد شوروی در حوزه مناسبات

بین‌المللی در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی و تا شیدل زوم‌نشی کردن رفتار تجار و کارآنها میراث لیسیم، شیوه‌های فرماندهی - اداری را در این عرصه به نقد می‌گذرد: "مواردی بیش می‌مده که حتی مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌ها در جمع کوچکی از افراد و بدون تجزیه و تحلیل همه جانبه جمعی و گاهی بدون مشورت با دوستان انجام می‌گرفت. این امر... حتی به تصمیمات اشتباه نیز منجر می‌شده... سپس ضمن تاکید بر درستی دست‌یابی به توده‌های با ایالات متحده آمریکا ادامه می‌دهد: "... اما با متورکز کردن همه توجه و توان ما ن روی وجه نظر من تقابل با امپریالیسم، همیشه امکان‌ناهی را که در رابطه با تصمیمات بین‌الدین در جهان فرا هم می‌آید، در جهت تأمین امنیت کشورها که شنج و در جهت تقاضای خلق‌ها به کار بر گرفته، در نتیجه‌ها جا زده‌ایم به مسأله تسلیمات کشیده شد. چیزی که نمی‌توانست بر رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی و بر موقعیت بین‌المللی کشور ما تأثیر نگذارد". تا جایی که "بدون دگرگون کردن چنین حرکتی، ممکن بود او قاعد در مرز رویا رویی نظمی قرار گیریم". گزارش با مراجعه به اصل روش لنینیستی برخورد مشخص با شرایط شخصی مطرح می‌کنند که امروز "در مسایل بین‌المللی نمی‌توان تنوع منافع را به حساب نیاورد. در نظر گرفتن این منافع عنصر مهم تفکر نوین سیاسی را تشکیل می‌دهد". آنگاه با آرا‌ها این حکم که "نظریه آزادی انتخاب در تفکر نوین مفا می‌کلیدی دارد"، توضیح می‌دهد: "در شرایطی که بودیم به مسأله اصلی، فراقیرو جهان‌شمول تبدیل شده است، ما به عمومیت این اصل برای مناسبات بین‌المللی با و راسم"

سند کمیته مرکزی گرایشات جهان مرزقرن‌های ۲۰ و ۲۱ را چنین توضیح می‌دهد: "غیرنظاری شدن و اتسانی گشتن تدریجی مناسبات بین‌المللی، که سرانجام محل تقاضای پرشما در جهان و دست‌یابی به تعادل منافع، محرک دولت‌ها نه مفا مدو پیشداوری‌های خود غرضانه، که خرد، دانش و موازین اخلاقی خواهند بود، که حتی حق هر کس در آزادی انتخاب به رسمیت شناخته خواهد شد. تا مین امنیت دولت‌ها هر چه بیشتر از عرصه‌ها سبب بنیادهای نظمی به عرصه‌های سیاسی و اجرای اکتیویدات بین‌المللی منتقل خواهد شد، سیستم جامع امنیت بین‌المللی به طور عمده از طریق ارتقاء نقش و شریخی سازمان ملل متحد شکل خواهد گرفت."

در دخول آسای بنیادهای علمی - فنی به گونه‌ای متحدانه‌تر برای حل مشترک مسائل جهانی اقتصاد، محیط زیست، انرژی، خواربار، بهداشت و غیره به سودتای شریعت به کار گرفته خواهد شد. - مراد متنوع و دایر و طلبا خلق‌ها و کشورهای مستقل به گونه‌ای مطمئن در خدمت غنا بخشی متقابل مادی و معنوی آنها قرار خواهد گرفت و با نت صلح عمومی را تحکیم خواهد نمود. گزارش کمیته مرکزی اشعاری دارد که: "الموضع عراضر ماکوشش کردیم اینه بی‌بوند متقابل منافع پرولتری - طبقاتی و عموم بشری را که از ابتدا در مارکسیسم پایه‌گذاری شده بود، هر چه زودتر تشبیه نماییم، این امر ما را به نتیجه‌گیری اولویت ارزش‌های عمومی بشری در عصر ما رساند. هسته تفکر نوین سیاسی هم همین است."

در گزارش‌های این توجیه به سه سال تلاش مثبت در جهت دموکراتیزه کردن مناسبات بین‌المللی، خاطرنشان می‌شود که اکنون "محور زندگی بین‌المللی جا بجای می‌شود. از مفا بله به همکار ریوفا هم... و در پاسخ به این سؤال که آیا توفیق یافتن به خطر جنگ را دور از چشم؟" جواب داده می‌شود "آری، بی‌شک تردید"

گزارش حکم‌نویسی شریخی روندهای نوین بین‌المللی را نیز مورد ارزیابی قرار داده است: "با سرچشمه‌های امپریالیستی تجار و جنگ‌شکندنده‌ها... و معتقدیم که هنوز تصمیم‌گیری‌ها به تدریج روندهای آغاز شده شکل نگرفته است. اتفاقا همین تفکر نوین سیاسی امکان می‌دهد مگانات تازه مفا بله سیاست زور را بر پایه‌های وسیع‌تری از گذشته ببینیم و ببینیم. این امکان‌ناهی و عوامل عینی جدیدی که در نتیجه دوم قرن حاضر پدید آمده‌اند، روبرو به تحکیم می‌روند". در رابطه با فعالیت حزب، در قطننا مفا یانی کنفرانس آمده است که: "دمکراتیزه کردن عمیق فعالیت‌های حزب"، "بحث آزاد در مرحله برررسی مسائل و عمل به مکتب پس از تصمیم‌گیری"، ایفای نقش پیش‌رو در بازی و نوآوری‌ها مفا برای حزب ممکن می‌سازد.

در ارزیابی دموکراتیزه کردن زندگی حزبی، به تصمیم کنفرانس، تمساک ارگان‌های انتخابی حزب تنها برای یک دوره پنج ساله انتخاب می‌شوند و هر دو سال با سه‌سال نیز کنفرانس برای انتخاب مجدد تا ۲۰٪ اعضای ارگان زور، برگزار خواهد شد. همچنین مقرره‌ها مفا ایفای دفا ترود دبیران کمیته‌های حزبی، همه‌اعی و دست‌رسی کمیته مرکزی و دبیرکل کمیته مرکزی، تنها مفا می‌توانند برای دستور انتخاب شوند". تشبیه این ترتیب از سوسیالیسم سوا استفاده از مفا‌های حزبی و سرورکیش شخصیت و از سوی دیگر افزایش مسئولیت انتخاب شدن در برابر انتخاب کنندگان خواهد بود. کنفرانس، مفا رزه مفا و مفا طعا نه‌ایا تیسیم کارها که جمده‌گاه‌ها اداری را موردتاید قرار داد اقدامی برای حل مشکلات موجود در روابط بین‌المللی‌های شوروی را به کمک بررسی علمی تغییراتی که طی دهه‌های اخیر در این زمینه پیدا شده، جز وظایف ضروری حزب دانست.

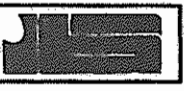
کنفرانس به عنوان تیرخی اقدامات بلادرنگ... اولاً مقرر کرد که تا قبل از پایان سال جاری، انتخابات ارگان‌های حزبی انجام شود و سازمان مجدد دستگاه حزب و تغییرات لازم در ساختار آن با تکیه بر تصمیمات کنفرانس مبنی بر جدا شوی کارگر حزب و شورا‌ها تا آن زمان پایان یابد. و ثانیاً شورا عالی اتحاد شوروی را فرار خواهند در اجلاس عادی آینده خود برای بازسازی شورا‌ها، تمهیدات لازم را به عمل آورده تغییرات لازم را در این راستا در قطننا اساسی وارد کنند و از طرف دیگر، ترتیبات لازم جهت برگزاری انتخابات را برای تشکیل کنکره نمایندگان خلق در آوریل سال آینده اتخاذ کنند. به علاوه انتخابات شورا‌ها در مفا سطوح دریا شیز سال آینده با بدبرگزار شود.

دیکتاتور و تفویض آن به نیروهای دمکراتیک جامعه قرار داده‌اند. موج اعتراض علیه مفا کمرهبران کمونیست ترکیه و همیستک با آن‌ها به مفا به دفاع از تا مین دمکراسی و عدالت در کشور ترکیه است. هر چه گسترده‌تر کردن این اعتراض و تقویت همبستگی یک وظیفه انقلابی است. ما بدبرگزار زادت، شکنجه و مفا کمرهبران حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه را محکوم می‌کنیم و خواهان آزادی آنها هستیم.

معرض خطرات عدم قرارداد رند. اقدامات سرکوبگرانه علیه کردها و میارزان و نیروهای سیاسی خلق کرداد با مفا رده، و خیرا موم دستگیری‌های جدید می‌رسد. مفا کما حیدر کوتلو و نییست سا رگین، دبیران کل حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه در جنبش شرایط اجتماعی و سیاسی صورت می‌گیرد. به ویژه این کما این حزب با پیش‌بردار موجود و آرا‌ها مفا برنا مفا استراتژی مشترک نوین، هدف خود را خارج کردن ابتکار سیاسی از دست رژیم

رژیم ترکیه... به بسیاری از حقوق صنفی و دمکراتیک شناخته شده اما معده، در سال‌های اخیر، سبب گسترش ناراضی و اعتراضات مردم به ویژه کارگران گردیده است. علیرغم اعلام تعهد رژیم برای تأمین دمکراسی‌های بورژوازی به انگیزه رورود به بار و رمتورک، هم‌چنان احزاب و انقلابی و مترقی غیرقانونی هستند. سازمان زندانی سیاسی در شرایط نامناسب در زندان‌ها، سازمان ترکیه به سومی برند. نزدیک به ۱۹۰ نفر زندانی مخالف دیکتاتور توری که هر یک محکوم شده‌اند.

بقیه از صفحه ۱۰



افغانستان:

چشم پراه آینده صلح آمیز

بیش از ۲ ماه است که از انعقاد قرارداد توافق ژنو پیرامون حل مسئله افغانستان می‌گذرد. طرفهای افغانستان و اتحاد شوروی در راه اجرای این قرارداد، برای پایان دادن به جنگ و بازگرداندن صلح و آرامش به افغانستان، بلافاصله تعهدات خود را به مرحله اجرا گذاشته اند. خروج مرتب نیروهای شوروی طبق برنامهمیچنان ادامه دارد و دولت افغانستان نیز برای مدت علیرغم مشکلات، همه مساعی خود را به کار گرفته است. ولی ضدانقلاب افغانستان که توجیه مخالفت ها و دشمنی خود را علیه دولت و مردم افغانستان از دست داده است، به خشم آمده و به عملیات ایذائی و دیوانه‌واری روی آورده است. روزی نیست که خبر از انفجار بمب و پرتاب موشک به نقاط مسکونی، از افغانستان به گوش نرسد. شهرکابل این روزها هدف موشک‌های نیروهای ضدانقلاب است. ضدانقلاب، گروه‌گروه از مردم بیگناه افغانستان قربانی می‌گیرد.

پای بندی اتحاد شوروی به قرارداد ژنو و اجرای مسئولانه آن، نیروهای "اشغال‌گانه" را به تنگنا پیورداشته است. برخی از نیروهای اشغال با سیاست‌های بخش‌های افرای ترقی موانع نیستند و اختلافات معینی با آنها برآزمی دارند. این نیروها بیشتر سیاست‌گاستن از عملیات مسلحانه و کشت و کشتار و در پیگیری راه‌های مذاکره برای گرفتن امتیازات مورد نظر را دنبال می‌کنند. در حالی که بخش افرای ترقی اختلاف کلیدی بین حکمتیاریکی از سران این بخش است با داعیه برقراری حکومت اسلامی و برخورداری از حمایت بی دریغ آمریکا و روابط آشکار با آن، همچنان بر ادامه کشت و کشتار و راجا جت می‌ورزده و به عملیات جنون‌آساست می‌زند. خانه‌ها و بیمارستان‌ها و مراکز قرارداده است. این بخش می‌خواهد با گسترش آراء و به وجود آوردن ناآرامی در پارتیخت و دیگر مناطق از ادامه روند عادی سازی وضع جلوگیری کند و توافق ژنو را به شکست بکشد.

ضیاءالحق دیکتا توپرا کستان نیز که از ماضی قراردادنا خوستد است، نه تنها تا کنون اقدامی در راه انجام تعهدات خود صورت نداده، بلکه انتقال محموله‌های بزرگ اسلحه به گروه‌های ضدانقلاب افغانستان را از طریق خاک پاکستان تشدید نموده است. ضیاءالحق با انجام شبه‌کودتای برکناری دولت "چونجو" عملیات‌دزدی از زمان تعیین اجرای قرارداد ژنو را از سر راه خود برداشته است. کارکنانی که و شرارت‌های پاکستان در راه اجرای قرارداد که به پشتیبانی آمریکا صورت می‌گیرد، مشوق عملیات خرابکارانه نیروهای ضدانقلاب است. علاوه بر این رژیم ضیاءالحق دولت آمریکا برای توجیه غیرمسئولانه عدم رعایت تعهدات ژنو و فرار از اجرای آن، علیرغم خروج مرتب و طبق برنامه نیروهای شوروی، شبیگانه به دروغ ادعا می‌کنند که گویا روند خروج قوا متوقف شده و اینکه تعدادی از آنها در پاره‌پاره‌هاک افغانستان رجعت داده شده اند. در این رابطه دولت اتحاد شوروی به دولت پاکستان هشدار داده و دروغ پرانی‌های آن را تکذیب کرده و از دولت پاکستان خواسته است به آنچه که تعهد کرده عمل کند و دولت آمریکا را نیز که یکی از طرفین نامن اجرای موافقت نامه ژنو است به اجرا و پیگیری آن فراخوانده است. از زمان ملل متحد نیز خواسته است که به تلاش‌های خود در راه اجرای قرارداد بقیضا یسد.

ادامه‌های ضیاءالحق از ضدانقلاب و عدم تمکین آن به اجرای موافقت نامه ژنو و بی‌تحریکات ما در جویا شده آمریکا، سبب نگرانی‌های ما قائل بین المللی از جمله سازمان ملل متحد شده است. مردم افغانستان، خسته از جنگ، چشم‌پراه آینده‌ای صلح آمیز مبارزه می‌کنند.

منتشر شد:

- شماره نخست از مجموعه "مسایل اقتصادی جهان معاصر" توسط انتشارات سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبر) منتشر شد. در این مجموعه مطالب زیر را می‌توانید:
۱- کاپیتال و جهان معاصر
۲- وظایف حزب کمونیست اتحاد شوروی برای نوسازی اساسی مدیریت اقتصاد
۳- سرما به داری در دنیای به هم پیوسته
۴- اقتصاد غرب بر سر دوراهی
۵- درک تضادهای ژرف
۶- سرمایه‌داری در تنگنای بحران ساختاری
۷- تمرکز تولید و سرمایه‌داری در سالهای ۱۳۵۰-۱۳۶۰

جنگ از زبان آمار

هشت سال جنگ برای مردم ایران به چه قیمتی تمام شد؟ آیا میتوان بر آن همه در درونج و خون و ویرانی قیمتی زد؟ آیا میتوان برای جان مدها هزارانسانی که در آتش این جنگ پلید سوختند و بهایی تعیین کرد؟ تلفات و ضایعات، رنج و درد و آسوبه فشارهای مردم ایران را با هیچ آمار نمی‌توان نشان داد. نگاه بی‌آرتلفسات و ضایعات تنها می‌تواند گوشه‌ای از آن چرا که خمینی جنا پتکار با مردم میهن ما کرد، آشکار سازد.

تلفات هشت سال جنگ: حدود ۱۰۰۰۰۰۰ نفر از مردم ایران قربانی شدند. اهداف شوم و کثیف دیکتاتورچما را و صداجنا پتکار شدند. بیش از ۱۰۰۰۰۰۰ نفر سلامتی خود را از دست دادند و سایر شوم‌عقربیت جنگ برای همیشه زندگیشان باقی ما نسد.

۲۰۰۰۰۰۰ تن از هم‌میهنانمان خانه و کاشانه خود را از دست دادند و از شهر و روستای آواره شدند. تنها تا شهریور ۶۴، ۵۱ شهر، ۳۰۹۱ روستا و ۱۱۸۰۰۰ واحد مسکونی و اقتصادی ویران شدند. هزینه مستقیم جنگ سالانه برای روستا ۱۲۰ میلیارد تومان بوده است. هشت سال جنگ حدود ۵۰۰۰ میلیارد تومان از درآمد موانع کشور را بلعیده است. با ۵۰۰۰۰ میلیارد تومان می‌شد: حدود ۵۰۰۰ مدرسه برای ۲۰۰ میلیون دانش‌آموز ساخت.

۷۰۰۰۰ بیمارستان مجهز، یعنی برای هر ۷۰۰ نفر مردم ایران یک بیمارستان، بنا کرد. برای همه مردم کشور خانه‌های نیم میلیون تومانی احداث نمود. نزدیک به ۲۵ سال درآمدت لازم است تا ویرانی‌های ناشی از جنگ جبران شود و کشور ما بار دیگر به سطح سال ۵۹ برسد. هیچ کس در چنان اما قادر نیست غمناک‌سود و آن پدران و مادرانی را که صبح دختر کوچکشان را با هزاران آرزوی به مدرسه فرستادند و ظهر قطعات بسیار ماره را در آرزو از زمین ویرانه‌ها جمع کردند، آلتیسم بخشد. از این پدرها و مادرها فراوانند. قریب به یک میلیون! خمینی با بدیهان پدران و مادران و همه مردم ایران پاسخ دهد برای چه هفت سال میهن ما را در آتش جنگ سوزاند؟

رژیم ترکیه پای میز محاکمه

قریب ۷ ماه پیش، رفقا حیدر کولونوئیست یارکین دبیران کل حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه که برای تأمین فعالیت قانونی احزاب خود در راه‌ها متعمراسی برای ترکیه از مهاجرت به کشور ما جعت می‌کردند، در فرودگاه آنکارا توسط ما مورین رژیم ترکیه با زدن تیر و زدن پستان گردیدند. علیرغم توطئه سکوتی که رژیم دیکتاتور ترکیه طی این مدت در راه بطع این بازداشت به عمل آورد، بسیاری از احزاب و محافل و شخصیت‌ها از سران جهان در پییکار وسیع برای آزادی و دفاع از رهبران کمونیست ترکیه متارکت فعال داشتند. علاوه بر احزاب کمونیست و کارگری بسیاری از احزاب دموکرات و احزاب بورژوازی کشورهای اروپائی و حتی مقامات دولتی این کشورها به این کارزار پیوستند و خواهان آزادی آنان شدند. ماه گذشته رژیم ترکیه محاکمه رهبران کمونیست، به همراه تعداد دیگری از اعضای احزاب کمونیست است. دادستان دادگاه در کیفرخواست خود با ابراداتیها متعیده، برای آنان درخواست شد مجازات نموده است.

بسیاری از کولای مدافع و چهره‌های سرشناس ترکیه و دیگر کشورهای از همان روزهای اول دستگیری اعلام کردند که دفاع از رهبران کمونیست ترکیه را به عهده می‌گیرند. تا کنون تعداد کولای مدافع در دادگاه به بیش از ۶۰۰ نفر رسیده است (در قرائن ترکیه دیکتاتور محدودیتی از نظر تعداد و کیل مدافع برای دفاع در دادگاه وجود ندارد). همزمان با محاکمه دهها هزار کارگر راجانجات در شهرهای آنکارا و استانبول و آدانا و کارگران نفت و پالایش و راه آهن برای دستیابی به خواسته‌های صنفی دست به تظاهرات و کم‌کاری زده‌اند. در طول چند ماه اخیر شما رکشیری از زندانیان سیاسی ترکیه برای بهبود وضع زندگی در زندان، دست به اعتصاب غذا زده‌اند. حمایت از مقامات زندانیان سیاسی ترکیه

به دفاع از جان زندانیان سیاسی برخیزیم

هما نگونه که در "کار" فروردین ماه اعلام کردیم، ۷۰ تن از زندانیان سیاسی کشوردر بیدادگاهای رژیم به اعدام محکوم شده‌اند. در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۷ سخنگویان شورای عالی قضا بی درجریان یک برنامه تلویزیونی اعلام کردند که حکم اعدام ۲۷ تن از "ملحدین و تروریست‌ها" در قم موردا بی‌قدر قرار گرفته و برای اجرا ابلاغ گردیده است. این خبر را دیوروزنامه‌های رژیم متعسف نکردند و ۱۰ روز پس از آن، رفیقان انوشیروان لطفی را همراهم ۲ مبارز دیگر از سازمان مجاهدین خلق ایران و اتحادیه کمونیست‌های ایران به جوخه اعدام سپردند. متعاقباً این جنایت را دیوروز انقلابیون سیرتیریران شده‌اند. رژیم خونخوار خمینی می‌خواهد بقیه این مبارزین را نیز در دسترسده جوخه‌های مرگ بسپارد. خطر تیریران تعداد زیاد دیگر زندانیان سیاسی را تهدید می‌کند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبر) با دیگر همه نیروهای آزادیخواه و سازمانهای انقلابی را به بیابان زره مشترک برای نجات جان این عزیزان در بند فرا می‌خواند. باید با تشدید کارزار اعتراضی در داخل کشور و سران جهان رژیم جمهوری اسلامی را از ادمایبسن جنایات بازداریم. ما از همه دولت‌ها، احزاب و مجامعی که برای آزادی و حقوق بشر احترام قائلند می‌خواهیم که رژیم کما بر ایران را برای قطع کشتار زندانیان سیاسی تحت فشار قرار دهند.

همزمان با این کشتارها، از اسبای رژیم خبری رسد که فشار بر ایران اسیرما تشدید شده است. در این اواخر زندان اوین سردیدند. ابتدای ترین حقوق انسانی، زندانیان دست به اعتراض می‌زنند. جلادان رژیم در پاسخ به اعتراضات و ابتدای ترین خواسته‌های آنان، به ضرب و شتمشان می‌پردازند، اکثر آنها را به سلول انفرادی منتقل می‌کنند و ملاقات با خانواده‌ها یشان را قطع می‌کنند.

اکنون هزاران زندانی سیاسی در حالی که مدت محکومیتشان به پایان رسیده، همچنان در زندان به سر می‌برند و بلا تکلیفند. برخی از آنها اکنون جبارسال است که کسی هیچ بهانه‌ای در زندان نگهداری می‌شوند. گزیده‌های خمینی از آنها می‌خواهند که به جاسوسی و همکاری با مقامات امنیتی تن دهند و از آن‌ها وعقایدشان تبسری جویند. بدان غده سرخا اعلام شده است، تا زمانی که مسئولین زندان از توبه آنها عملاً مطمئن نشوند، رنگ آزادی را هم نخواهند دید. مبارزینی که تنها "جرم" شان دگراندیشی و دفاع از حق و عدالت است، اسلبا با احکام غیرقانونی و غیرانسانی دادگاه‌های آخوندی، زندانیای مخوف رژیم را تحمل کرده‌اند و اینک بس از طی محکومیتشان نیز آزادی می‌شوند. از خانواده‌های این زندانیان می‌خواهیم تا مراجعه به ارگانهای مختلف و سازمانهای بین‌المللی، رژیم را برای آزادی بی‌درنگ درک فرزندان اسیران تحت فشار بگذارند و حقوق انسانی از اذیت‌ها و سزاها را تا مین کنند. از همه شخصیت‌ها و سازمان‌های آزادیخواه میهن مان دعوت می‌کنیم تا با اقدام مشترک و راه مشخصات این میهن برستان از ادمایبسن به ما معین‌المللی و سازمانهای حقوق بشر، برای آزادی بی‌درنگ آنها تلاش کنند.

کده‌ها طرازا دادندیشی و عدالت خواهی در اسارت به سر می‌برند و نیز دادگاه رهبران کمونیست ترکیه که رژیم دیکتاتور ترکیه را به محاکمه می‌کنند، با مبارزات فشرده کارگران کا رخا نجات در هم می‌فخته است.

بدنبال کودتای نظامی ۱۹۸۰ تا کنون، نما بندگان نظامی و غیرنظامی بورژوازی انحصاری چه‌شیده‌اند و روشن شده‌است شیبی و چه در پوش رژیم پارلمانی، زندگی سختی را بر مردم ترکیه و نیروهای سیاسی انقلابی و دمکرات ترکیه تحمیل کرده‌اند. بحران اقتصادی مالی و اداری ترکیه با قرض بیش از ۴۰ میلیارد دلار به ارج نیز بیشترین فشار را بر طبقات کم‌درآمد و بی‌بهره کارگران و کسانیکه در آستانه بستی دارند، وارد می‌کند. کاهش حجم مبادله تجاری ترکیه و ایران که برای ترکیه از اهمیت جدی برخوردار است، سبب ورشکسته شدن بسیاری از شرکت‌ها از جمله شرکت‌های حمل و نقل شده است. طی شش ماه اول سال جاری مسیحی قیمت‌های بخش اعظمی از کالاهای ضروری با ۳۰ تا ۷۰ درصد افزایش پیدا کرده است. ونرخ تورم واقعی به رقمی بالاتر از ۱۰۰ رسیده است. وضع نامسا من زندگی و معیشت، و تنها جرم رژیم بقیه در صفحه ۹

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!